

- پیام حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی به همایش پیامدهای تکفیر و مسئولیت علمای اسلام
- تشکر باب فرانسس از معظم له
- نامه دبیر کل مجلس وحدت مسلمین پاکستان به معظم له
- روحانی از وبگاه تخصصی چند رسانه ای makaremmedia.com
- افتتاح پایگاه اطلاع رسانی دفتر معظم له به زبان فرانسه
- آشنایی با زائر سرای امام باقر و امام صادق (علیهم السلام)
- مقاله: فلسفه شهادت

پیشرو: محمدعلی سادات کلبی، گروه فلسفه و اخلاق

سیری در کتاب: کلبک مفاتیح نوین، اثر روز شهید حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی





صاحب‌المنیاز، با یک دهه انتشار رسالتی دفتر
حضرت آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی مد ظله
نشانی: قم، خیابان شهسودا، کوچه ممتاز
کوچه شماره ۷، پلاک ۳۶
وبسایت: makarem.ir
پست الکترونیک: info@makarem.ir
تلفن: ۰۲۵۲۷۷۲۲۳۱۹ - ۲۷۷۲۲۸۱۹
هاتف: ۰۲۵۲۷۸۲۹۹۳۴



ماهنامه ماکارونیکس خبری تحلیلی و بلیغ
سال دوم | شماره دهم | آبانماه ۱۳۹۵

- ۲ فهرست
- ۳ طلایعه سخن
- ۴ پیام‌ها و بیانات
- ۵ دیدارها
- ۶ گزارش تصویری مراسم عزاداری محرم ۱۴۳۸
- ۸ سخنان معظم له، ظهر عاشورا
- ۹ پیام معظم له به همایش پیامدهای تکفیر و مسئولیت‌های علمای اسلام
- ۱۰ نامه علامه راجه ناصر به معظم له
- ۱۱ تشکر پاپ فرانسیس از معظم له
- ۱۲ فن آوری اطلاعات
- ۱۴ یادداشت
- ۱۸ پرونده ویژه
- ۲۲ مقاله
- ۲۷ معرفی کتاب
- ۲۹ موسسات وابسته
- ۳۰ معارف اسلامی
- ۳۴ سؤالات شرعی
- ۳۶ توصیه‌های معظم له به زائران اربعین حسینی

MAKAREM.IR

طلایعه سخن

چهل روز متوالی از عاشورا تا اربعین در واقع مراسم سالانه و رسمی در اعلام انزجار از ظالمان تاریخ است و در این اعتراض عمومی، حسین(علیه السلام) سمبل شجاعت، پایمردی و آزادگی و یزید نماینده و مظهر جور و فجور است. در این چهل روز یاد حسین صدرنشین محفل دلها است و افکار عمومی بیش از هر حادثه مهم دیگری تحت تأثیر حادثه کربلا است، این چهل روز فرصت مناسبی است تا مردم، عشق به حسین(علیه السلام) و کینه و تنفر از قاتلان او را در دل خود بپرورانند و این کینه مقدس را با پوست و گوشت خود و فرزندانشان در آمیزند و عظمت گرمی حماسه عاشورا را به هر عصر و نسلی برسانند و شور عاشورا را هر سال تازه تر از سال گذشته بر پا کنند تا کلاس درس عاشورا هر سال با شکوهتر از سال پیش دائر گردد.

حال در این میان باید به اجتماع عظیم اربعین اشاره نمود که در قالب مناسک آئینی عرفانی و پیام آور صلح طلبی است. لذا خروش میلیونی شیعیان، و حتی برادران اهل سنت و حضور آزادی خواهان و ظلم ستیزان از دیگر ادیان توحیدی در راهپیمایی اربعین حسینی حاکی از این مسأله مهم و کلیدی است که شهادت مظلومانه امام حسین (علیه السلام) نشان می دهد آن حضرت نه برای جنگ طلبی، بلکه برای تحقق اهدافی همچون عدالت و صلح جویی قیام کرده است، لذا راهپیمایی عظیم اربعین، ترسیم بخشی به واقعه ای تاریخی است که آینده شناسی جهانی را با مولفه صلح طلبی و قیام علیه ظلم را به منصه ظهور می رساند.

بی تردید صلح طلبی نه به معنی تسلیم در برابر ارزش های جاهلانه بلکه به معنی ایستادگی در برابر هنجارشکنی های جاهلی است، لذا حمایت از ارزش های انسانی مهمترین پیام راهپیمایی اربعین حسینی است که زمینه ساز صلح جهانی است، از این رو مخالفت آمریکا و متحدانش به ویژه رژیم آل سعود و گروه های تکفیری

هم چون داعش با اجتماع عظیم اربعین حسینی به علت وجود عنصر صلح طلبی در گفتمان معنایی این راهپیمایی بی نظیر است، زیرا قدرت های استکباری نه با صلح بلکه با جنگ مدعی تکامل بشری اند حال آنکه حضرت سیدالشهدا(علیه السلام) نه با جنگ طلبی، بلکه در راستای روشننگری از تباهی و فساد حکومت استبدادی زید، حتی خانواده خود را به کربلا برد تا اینگونه پیام صلح طلبی و اصلاح طلبی را در امت اسلامی آشکار نماید.

بنابراین شکوه حضور مردم اعم از زن و مرد و پیر و جوان در این راهپیمایی عظیم عیناً تبلیغ ارزش های انسانی است، به عنوان نمونه اسکان و پذیرایی و حتی ماساژ پای زائران که با خلوص نیت و بدون هیچ گونه چشم داشتی صورت می گیرد منبعث از اتحاد، نوع دوستی و هم دلی میام آحاد مردم است که به نوعی ساختار حقوقی و فلسفی سبک زندگی اسلامی را رقم می زند.

هم چنین حضور پیروان ادیان دیگر به ویژه مسیحیان در این راهپیمایی، ناشی از اعتراض اجتماعات دینی به موج فزاینده سکولاریسم و بی دینی در جوامع مدرن غربی است. لذا خروش همه انسان های آزاده در اجتماع میلیونی اربعین حسینی مقدمه ای برای تشکیل جبهه جهانی و صلح طلب برای مقابله با استکبار جهانی به ویژه مبارزه با شیطان بزرگ آمریکا است، جبهه ای که با نفی جهانی شدن برای جهانی سازی پیام امام حسین(علیه السلام) گام بر می دارد.

با این تفاسیر باید به نقش برخی شهرهای محروم کشور از قبیل مهران و ایلام و دیگر شهرهای مهم مرزی در انتقال مطلوب زائران حسینی برای شرکت در راهپیمایی عظیم اربعین حسینی اشاره نمود که نه تنها از بن بست جغرافیایی خارج شده بلکه زمینه ساز بسط و گسترش پیام جهان شمولی امام حسین (ه) را فراهم کرده است. هم چنین نباید فراموش نمود آثار جهان پدیداری دینی در راهپیمایی اربعین در معنابخشی به زندگی انسانی و استحکام روز افزون عاطفه و ایثارگری در نهاد خانواده

غیر قابل انکار است، اینگونه است که شیعیان، اهل سنت، مسیحی ها و دیگر ادیان توحیدی با حضور در این راهپیمایی، با زیبایی شناسی عاشورا از قبیل عاطفه ورزی و ایثارگری امام حسین (علیه السلام) و یارانش تجدید پیمان می کنند، بنابراین تجمع اربعین حسینی زمینه ساز رشد و همگرایی فرهنگی و افزایش اخلاق محوری در جامعه و خانواده است.

باید اذعان نمود راهپیمایی اربعین حسینی به نوبه خود خروج از غفلت های تاریخی است، زیرا فرهنگ از تاریخ نشأت می گیرد و این راهپیمایی انقطاع تاریخی امت اسلامی از فرهنگ ناب اهل بیت(علیهم السلام) را ترمیم می کند و در نهایت به بازتولید فرهنگی و تولید فرهنگ حماسه منتهی می شود.

لازم به ذکر است در راهپیمایی عظیم اربعین به علت تکررگرای و جهان شمولی درک تراژدی عاشورا، ارتقای نشانه شناسی فرهنگ حماسه شکل می گیرد و ساختار فرهنگی جبهه جهانی را رقم می زند.

در خاتمه باید یادآور شد تقویت ابعاد رسانه ای راهپیمایی عظیم اربعین در راستای ارتقای بصیرت افزایی و مقابله با انحرافات در سوگواری حضرت سیدالشهدا(علیه السلام) غیر قابل انکار است، زیرا از یک سو بصیرت مهمترین شاخصه نهضت حسینی است و از سوی دیگر تکرار وقایعی هم چون محرم و راهپیمایی اربعین.. به نحو غیر هدفمند و بدون بصیرت افزایی به تقلیل گرای و رکود در دین منجر خواهد شد.

از این رو نباید فرصت طلایی بصیرت افزایی را با اقداماتی هم چون خودآزاری و قمه زنی، به مولفه ای ضد بصیرت تبدیل نمود، بلکه ضرورت تفکر و تدبیر در اهداف قیام امام حسین(علیه السلام) و آسیب شناسی مناسک محرم و مقابله با تحریفات، و نیز بهره گیری بهینه از تکنولوژی روز به حسینی از تقلیل گرای دینی، تقدس زدایی و نابودی مفاهیم و ارزش های ناب اسلامی و انسانی عاشورا در راهپیمایی عظیم اربعین جلوگیری نماید.

پیام‌ها و بیانات



معظم له پس از نماز ظهر عاشورا: هر کس به امام حسین علیه السلام متصل شود به دریای بیکران رحمت حق متصل شده است



تشکر پاپ فرانسیس از معظّم له

در پی ارسال پیام تشکر آمیز حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی به جناب پاپ فرانسیس رهبر کاتولیک های جهان متقابلا واتیکان طی نامه ای رسمی و محترمانه به معظّم له از تشکر و عرض خرسندی پاپ خبر داد.
۱۳۹۵/۰۷/۱۴



نامه دبیر کل مجلس وحدت مسلمین پاکستان به معظّم له

اینجانب به مواضع مرجعیت حکیم در عصر غیبت بقیه الله الاعظم امام مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف افتخار می کنم و این مواضع را گرمی می دارم، و از خداوند علی قدیر می خواهم که سایه شما را مستدام و وجود شما را برای سرپرستی ایتم آل محمد در سر تا سر جهان حفظ نماید.
۱۳۹۵/۰۷/۱۷



توصیه های مهم به عزاداران و مبلغان حسینی در آستانه محرم

دشمنان سعی در نفوذ در این مراسم ها دارند و می خواهند چهره خرافی به آن بدهند و از جمله اموری که به آن دل بسته اند مساله قمه زنی است

۱۳۹۵/۰۷/۰۸



وزارت ارشاد مسیر خود را اصلاح کند

تصور من این است که وزارت ارشاد گرفتار یک سلسله محاسبات نادرست از وضع جامعه شده است و گمان می کند این کارها به نفع دولت است در حالی که آثار سواش روز به روز آشکارتر می شود
۱۳۹۵/۰۷/۱۲



معظم له در کنگره بزرگداشت شهدای روحانی مدافع حرم

شهدای روحانی نشانگر این هستند که وقتی روحانیت مردم را برای دفاع از دین و اسلام دعوت می کنند خود در صف اول هستند
۱۳۹۵/۰۷/۰۸



لشکر فاطمیون



شاعران و مادحان آیینی



کنگره بزرگداشت شهدای روحانی مدافع حرم



مجمع علمی دارالولایه



سردار اشتری رئیس نیروی انتظامی



هیئت رئیسه مجمع عمومی جامعه مدرسین



رئیس مرکز آمار

دیدارها

معظم له در دیدار رییس مرکز آمار

مسائل آماری از بدیهیات مسائل اجتماعی است، حتی مسائل معنوی ما نیز با آمار گره خورده است و به عنوان مثال برای ساخت مساجد در مناطق مختلف نیاز به آمار دقیق از جمعیت مردم داریم.

۱۳۹۵/۰۷/۱۵

گزارش تصویری مراسم عزاداری دهه اول محرم ۱۴۳۸





معظم له پس از نماز ظهر عاشورا: هر کس به امام حسین (علیه السلام) متصل شود به دریای بیکران رحمت حق متصل شده است

آیت الله العظمی مکارم شیرازی پس از اقامه نماز جماعت ظهر عاشورا در شبستان امام خمینی رحمت الله علیه حرم حضرت معصومه سلام الله علیها با بیان این که عالم ماده، عالم فرسودگی است و هر چه به آن مرتبط باشد سرانجامی به جز فرسودگی نخواهد داشت، فرمودند: در مقابل عالم ماده، ذات خداوند ابدی و جاودانه است و از همین رو هر آنچه به آن متصل شود، جاودانه خواهد شد و بر همین اساس رمز ماندگاری عاشورا اتصال به ذات خداوند است.

ایشان با تأکید بر این که در طول تاریخ رخدادهای زیادی به وجود آمده که هزاران نفر در آن به بدترین شکل ممکن کشته شده اند، افزودند: خاصیت تاریخ فراموشی است؛ زیرا گذشت زمان بر عالم ماده موجب فراموشی رخدادهای تاریخی می‌شود و مهم‌ترین رویدادهای تاریخی در عصر حاضر از جمله جنگ جهانی دوم از این قاعده مستثنی نبوده اند و باگذشت زمان کم‌رنگ شده اند، اما آنچه که پس از ۱۴۰۰ سال همچنان موجب

و زمینه آزادی انسان‌های زیادی را از یوغ طاغوت در طول تاریخ فراهم کرده است که در این زمینه می‌توان به انقلاب اسلامی و برکات جهانی این انقلاب حسینی در سطح جهان و منطقه اشاره کرد.

ایشان با تأکید بر این که عاشورا در طول تاریخ مسیر درست برای حرکت و سیر الی الله را به انسان‌ها نشان داده است، فرمودند: نه تنها انسان‌های امروز بلکه نسل‌های آینده هم به وسیله این مکتب می‌توانند راه درست را پیدا کنند و در مسیر حق هدایت شوند به همین دلیل امام حسین علیه السلام مانند کشتی و سفینه نجاتی هستند که در طول تاریخ با هدایت انسان‌ها آنها را از گرداب بلا و جهنمی شدن نجات می‌دهند.

معظم له با اشاره به این که امام حسین علیه السلام برای خدا جنگید، برای خدا اسیر و شهید داد و در راه خدا شهید شد، تصریح کردند: همانطور که قطره آب در صورتی که تنها باشد با وزیدن نسیمی از بین می‌رود ولی چنانچه به دریا وصل شود هیچ‌گاه نابود نمی‌شود، انسان‌ها هم همین‌طور هستند و با اتصال به دستگاه امام حسین علیه السلام مانند قطره‌ای هستند که به دریا وصل شده و به این ترتیب نه تنها نسیم بلکه هیچ طوفانی نمی‌تواند آن‌ها را از بین برده و نابود کند.

آیت الله العظمی مکارم شیرازی با اشاره به خاطره شفای جوان مسیحی به دست امام حسین علیه السلام یادآور شدند: هر کس که به امام حسین علیه السلام متصل شود به دریای بیکران رحمت حق متصل شده به همین دلیل هیچ‌کس از درب خانه امام حسین علیه السلام ناامید و دست خالی بر نمی‌گردد بلکه این خانه و این مکتب حسینی به قدری غنی و پر بار است که هر تشنه‌ای را به ظرفیت معرفت او سیراب و حاجت روا خواهد کرد: بنابراین درگاه اهل بیت علیهم السلام درگاه اتصال به رحمت و فیض بیکران حضرت حق است.

پیام حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (دامت برکاته) به همایش پیامدهای تکفیر و مسئولیت علمای اسلام

گنبد کاووس ۲۸ مهر ۱۳۹۵

بین شیعه و سنی. حتی سنی‌ها را هم قبول ندارند و می‌گویند هر کسی که وهابی نیست، کافر است و خون و اموالش مباح است و ناموسش را هم ممکن است اسیر کنند و بفروشند.

چهارمین مشکل که از همه مهمتر است این است که نام و نشان اسلام را در دنیا با خشونت همراه کرده‌اند و دشمنان هم که اسلام‌ستیزی می‌خواهند بکنند و اسلام را مانع خودشان می‌دانند. مخصوصاً غارت‌گران دنیا به این نتیجه رسیده‌اند که اسلام مانع و مزاحم آنهاست و چه بهتر که از این فرصت استفاده کنند و بگویند اسلام دین خشونت است و مردم دنیا از اسلام و مسلمانان بترسید و بپرهیزید. کار را به جایی رسانده‌اند که در بعضی از کشورهای اسلامی به مساجد حمله می‌کنند. در آمریکا به مسلمانان فرقی نمی‌کند چه شیعه و سنی، حمله می‌کنند. یعنی اینها بهانه به دست‌اسلام ستیزان دادند و این بلای بزرگی است.

در حالی که اسلامی که محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله و سلم) آورده است دین محبت است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ و در آیه دیگر می‌فرمایند: فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنُسِّتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ

تو در میان آنها، نرم و ملایمی و محبت داری! اگر خشن بودی پراکنده می‌شدند. خود این آیه شریفه یک درس بزرگی است. مسلمانان اگر خشن باشید، دنیا از اطراف شما پراکنده می‌شود، اما اگر دین رحمت باشید، دنیا به شما جذب می‌شود.

بدانید دین آینده دنیا، دین اسلام است؛ به شرط اینکه شرّ این تکفیری‌ها از جهان اسلام قطع بشود و منزوی بشوند و بدانند که اسلام چیزی نیست که محمد بن عبدالمطلب آورده است. بلکه اسلام دینی است که محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله و سلم) آورده است.

خداوند می‌فرماید: وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ ؛ ای پیغمبر! اخلاق عظیمی داری. دوست و دشمن در مقابل اخلاق تو سر تعظیم فرود می‌آورند. اصلاً ما معتقدیم که یکی

از معجزات پیغمبر اسلام جاذبه اخلاقی پیغمبر بوده است. از محیطی برخاسته است که محیط عرب جاهلی که مملوّ از خشونت بود. اما او لطیف، روحانی، پرمحبت و مهربان بود حتی نسبت به دشمنانش. قرآن مجید به همین معنا اشاره می‌کند و می‌فرماید بدی را با نیکی پاسخ بگو: فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ ؛ با محبت، دشمنان را تبدیل به دوست کن. این کجا و این برنامه تکفیری‌ها کجا؟

عزیزان! همه علمای اسلام باید دست به دست هم بدهند و ثابت کنند که اینها از ما نیستند. همایشی که در چچن برگزار شد بسیار جالب بود که بزرگان اهل سنت و حتی شیخ الأزهر در آنجا جمع شدند و گفتند که وهابیت جزء فرق اسلامی نیست و خیلی از وهابی‌ها عصبانی و ناراحت شدند و مطالبی را گفتند؛ ولی فایده‌ای نداشت. شیعه‌ها هم می‌گویند وهابیت جزء اسلام نیست. بنابراین اجماع حاصل شده است و دست به دست هم بدهیم و آبروی اسلام را حفظ کنیم و آتش‌ها را از جامعه اسلامی خاموش کنیم و به همه مسلمانان، محبت و صلح و دوستی را برگردانیم و مسلمانان قدر مشترک زیادی با هم دارند. در ایام حج، همه مثل هم طواف و سعی صفا و مروه و وقوف به عرفات و منی دارند. کارها خیلی مثل هم است. در یک صف جماعت می‌ایستند و مثل هم نماز می‌خوانند و رکوع و سجود دارند. اختلافات خیلی کم است و بنابراین دست به دست هم بدهیم و کاری کنیم که اسلام، دین آینده باشد. یکی از سیاست‌مداران آمریکا گفته بود که من آینده‌ای را می‌بینم که مردم آمریکا صبح با بانگ اذان از خواب بیدار می‌شوند. یعنی اسلام این طور گسترش پیدا می‌کند. شرطش این است که ما از این جمعیت فاصله بگیریم.

من بار دیگر از همه شما، از عزیزان ترکمن و غیرترکمن و همه کسانی که در این اجتماع شرکت کرده‌اند؛ مخصوصاً از علما و دانشمندان و فضلا و مسئولین شرکت‌کننده به سهم خودم تشکر می‌کنم و خوشبختی و سعادت همه شما را در سایه لطف پروردگار از خداوند متعال خواهانم.

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ



نامه علامه راجه ناصر، دبیر کل مجلس وحدت مسلمین پاکستان به آیت الله العظمی مکارم شیرازی مدظله

بسم الله الرحمن الرحيم

مجلس وحدت مسلمین پاکستان

آقا و استاد من حضرت آیت الله العظمی شیخ ناصر مکارم شیرازی (دام ظلّه)

سلام عليكم و رحمت الله و بركاته

اینجانب به مواضع مرجعیت حکیم در عصر غیبت بقیه الله الاعظم امام مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف افتخار می کنم و این مواضع را گرمی می دارم، و از خداوند علی قدیر می خواهم که سایه شما را مستدام و وجود شما را برای سرپرستی ایتم آل محمد در سر تا سر جهان حفظ نماید.

ما یاد گرفته ایم که اسلام را گرمی بداریم و از مظلومان دفاع کنیم و به رنج و سختی های این مسیر اهمیت ندهیم. ما این تصمیم را جز برای دفاع از حقوق ملت پاکستان به صورت عام و دفاع از حقوق پیروان مکتب اهل بیت (علیهم السلام) به صورت خاص نگرفته بودیم.

پیش از ۳۵ سال است که در کشورمان سیاست های خصمانه علیه ما بکار گرفته می شود و در این مدت فداکاری های بزرگی به خاطر پایبندی به ارزش های اسلام محمدی اصیل تقدیم کرده ایم. و در این مسیر از مبلغان وحدت اسلامی بوده ایم و هنوز نیز به این موضع برای مقابله با فتنه های فرقه ای و مذهبی نفرت انگیز ایمان داریم.

این اواخر نیز همراه برادرانم تصمیم گرفتیم

که اعتصاب غذا بکنیم تا وجدان حاکمان، رهبران سیاسی و صاحبان وجدان های آزاد در داخل و خارج کشور را بیدار کنیم. هدف ما از این اقدام تحقق خواسته های ملت پاکستان به ویژه تحقق عدالت اجتماعی و مبارزه با تروریسم تکفیری بود که کشور ما را ویران کرده و بهترین فرزندان این ملت را به کام مرگ فرستاده است.

همانا که در ابتدای اعتصاب غذا صادر فرمودید تاثیر ویژه ای داشت که مشروعیت تصمیم اعتصاب را تاکید می کرد. این تایید و تصحیح به ما قدرت معنوی بزرگی بخشید و ما را بر آن داشت تا ثابت قدم بمانیم و فشارها و سختی ها را به مدت ۸۵ روز تحمل نماییم.

از این رو از طرف خودم و برادرانم در ریاست «مجلس وحدت مسلمین و ملت پاکستان» کمال تشکر و تقدیر و سپاسگزاری از حضرت تعالی داریم، و پیگیری و توجه شما به اقدامات و اوضاع فرزندانمان که پیروان

مذهب اهل بیت علیهم السلام در پاکستان هستند را ارج می نهیم.

آقای من، تصمیم ما بر این بود که تا تحقق همه خواسته های مشروع این مسیر را ادامه دهیم، حالا فداکاری ها هر مقدار که می خواهد باشد. اما هنگامی که نامه شما به دست ما رسید و راهنمایی های شما را مطالعه نمودیم و وظیفه شرعی خود را متوجه شدیم، لذا تصمیم گرفتیم به اعتصاب پایان دهیم.

ان شاء الله تا ظهور امام عصر و زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در مسیر مرجعیت حکیمانانه گام خواهیم برداشت. خداوند شما را به عنوان ذخیره ای برای ما و امت اسلامی مستدام بفرماید.

«وان صلاتی ونسکی ومحیای ومماتی لله رب العالمین»

راجه ناصر عباس جعفری

دبیر کل مجلس وحدت مسلمین پاکستان

۲۰۱۶/۰۸/۱۴ میلادی



تشکر پاپ فرانسیس از آیت الله العظمی مکارم شیرازی مدظله

در پی ارسال پیام تشکر آمیز حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی به جناب پاپ فرانسیس رهبر کاتولیک های جهان در خصوص «میرا دانستن اسلام از خشونت و ترور»، متقابلاً واتیکان طی نامه ای رسمی و محترمانه به معظم له اعلام کرد: «پاپ فرانسیس از دریافت نامه جنابعالی ابراز خرسندی کرد و مراتب تشکر خود را اعلام نمود.» در ادامه این نامه که از طریق سفارت کشورمان در واتیکان

ارسال شده، آمده است:

«همان طور که استحضار دارید، پیام همه ادیان (به خصوص ادیان توحیدی) قبل از هر چیز، پرستش مطلق خداوند و سپس احترام و مهربانی به همه انسان هایی است که با آنها دیدار می کنیم. به همین دلیل اعمال خشونت، به خصوص وقتی اهانت به خدا و ظلم عظیم به قربانیان است.»

در پایان نامه مذکور تصریح شده است: «رهبران دینی امروز باید بیش از گذشته برای حفظ کرامت همه انسان ها و حقوق اساسی آنها با هم فریاد سر دهند.»

لازم به ذکر است پاپ فرانسیس طی مصاحبه ای مطبوعاتی در ضمن سفر به لهستان، نسبت دادن خشونت و ترور را به اسلام، بلکه به همه ادیان الهی مردود دانسته بود.

دفتر آیت الله العظمی مکارم شیرازی

۱۳۹۵ / ۷ / ۱۴

رونمایی از نرم افزار ویندوزفون استخاره



رونمایی از وبگاه تخصصی چند رسانه ای پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی مد ظله

با توجه به واقعیت های امروز که ذائقه مخاطبان از رسانه های مکتوب به شدت به رسانه های دیداری و شنیداری میل پیدا کرده است، اصحاب دانش و معرفت نیز باید علم و آگاهی خود را متفاوت تر از گذشته به جامعه ای که هر روز نسبت به معارف ناب الهی تشنه تر می شود، عرضه کنند.

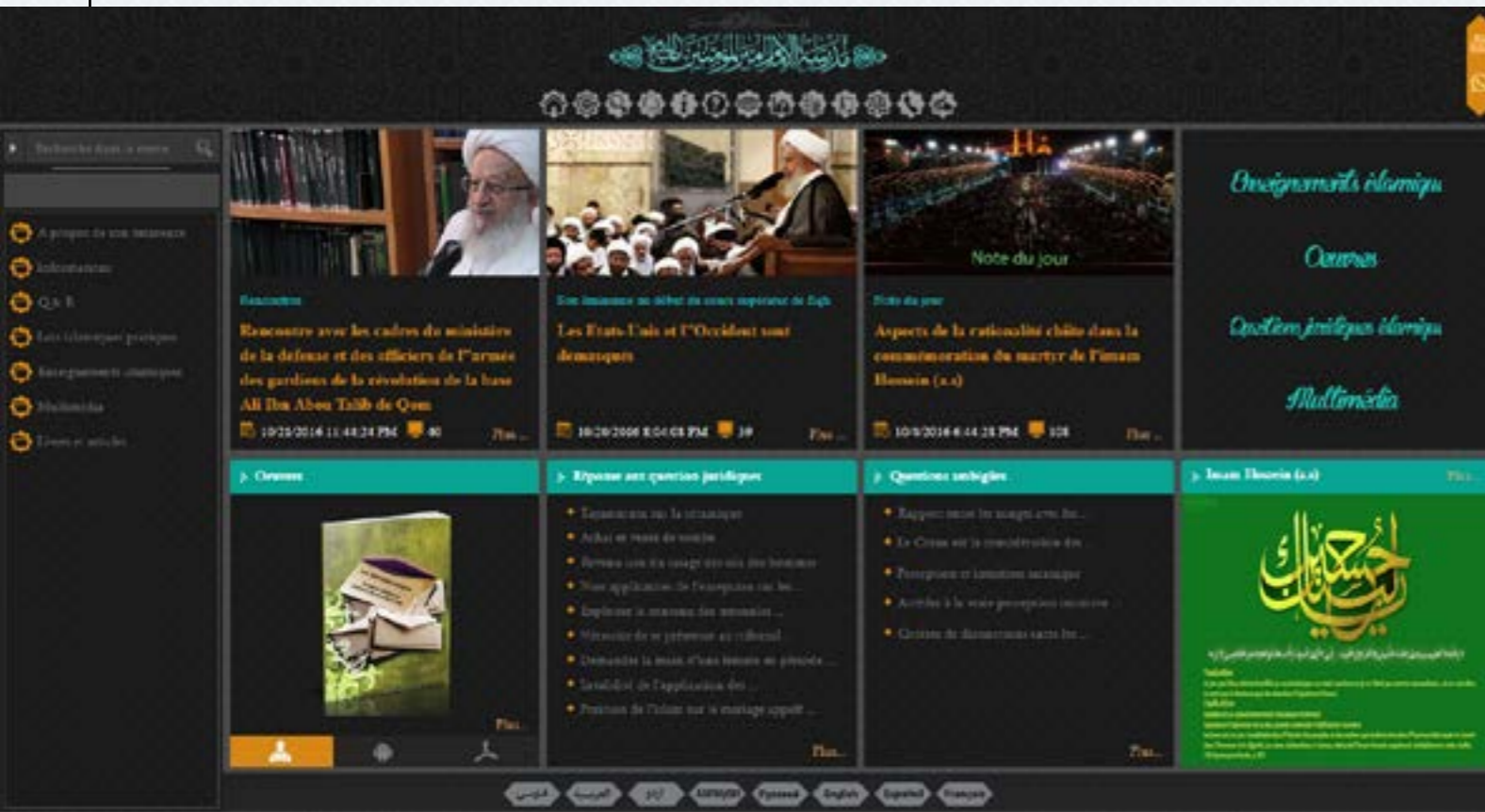
از این روی پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی مد ظله که از گذشته به عرصه رسانه های دیداری و شنیداری ورود کرده بود، بر خود لازم دید که این وظیفه را به نحو شایسته تر و تخصصی تری دنبال کند.

اولین قدم در این راه ایجاد یک وبگاه تخصصی برای محصولات چند رسانه ای است که بحمدالله با عنایات الهی و توجهات حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و کوشش متخصصان این بخش، این قدم برداشته شد و این وبگاه ایجاد شد.

پس از رونمایی نرم افزارهای تحت وب و اندروید استخاره که با استقبال بسیار زیاد مخاطبین واقع شد، درخواست های زیادی از کاربرانی که از گوشی های ویندوز فون استفاده می کنند مبنی بر تولید نرم افزار ویندوز فون استخاره ارائه شد که این امر پس از تلاش متخصصان و ایجاد اکانت رسمی در فروشگاه نرم افزارهای ویندوزفون امکان پذیر شد و هم اکنون این کاربران می توانند با مراجعه به فروشگاه مربوطه این نرم افزار را دانلود نمایند.

این نرم افزار به کاربران این امکان را می دهد تا در مواقع لزوم خودشان از قرآن کریم استخاره بگیرند و نظر معظم له را در مورد آیه مورد نظر مشاهده کنند.

جهت دانلود نرم افزار می توانید به makarem.ir مراجعه نمایید.



افتتاح پایگاه اطلاع رسانی دفتر معظم له به زبان فرانسه

مجموعه ای از تصاویر و مطالب صوتی تصویری در زمینه های مختلف دینی و مناسب جهت انتشار در شبکه های اجتماعی؛ علاوه بر این، سیستم پاسخگویی دفتر آیت الله العظمی مکارم شیرازی هم اکنون از طریق «ارسال سوال» که با مراجعه به سایت انجام می شود و همچنین از طریق شبکه های اجتماعی با شماره ۰۰۹۸۹۰۳۰۸۹۷۸۱۴ پاسخگوی سوالات و استفتائات کاربران به زبان فرانسه خواهد بود.

شیعه را نسبت به نشر فرهنگ شیعی صد چندان می کند. لذا بخش فرانسوی پایگاه اطلاع رسانی دفتر معظم له علاوه بر پاسخگویی به مسائل دینی مسلمانان فرانسوی زبان، نقش به سزایی در شناساندن معارف اسلامی به جویندگان اسلام راستین خواهد داشت.

این بخش در حال حاضر شامل موارد زیر است:

- چندین عنوان از معارف اسلامی؛
- استفتائات معظم له؛
- بخشی از تالیفات معظم له؛
- مجموعه ای از مقالات؛
- اخبار و اطلاعیه های رسمی دفتر آیت الله العظمی مکارم شیرازی؛

با عنایات خداوند متعال و تحت توجهات حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف بخش فرانسه پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله العظمی مکارم شیرازی لحظاتی پیش توسط معظم له به صورت رسمی افتتاح شد.

مخاطبین اصلی این بخش مسلمانان فرانسوی زبان سراسر جهان هستند.

زبان فرانسه نزدیک به پانصد میلیون متکلم در سراسر دنیا دارد که بسیاری از آن ها مسلمان هستند. اقبال مردم جهان به دین مبین اسلام علی رغم تمامی تلاش های استکبار در جهت اسلام هراسی، همچنان رو به افزایش است. این تعداد از مسلمانان و همچنین مردمی که به دین اسلام گرویده اند و یا در آینده مسلمان می شوند وظیفه جبهه فرهنگی

نقش زنان در نهضت عاشورا از منظر معظم له

با ظهور اسلام و تعلیمات ویژه آن زندگی زنان وارد مرحله نوینی گردید و از کلیه حقوق فردی و اجتماعی و انسانی برخوردار شد. هم چنین امتیازها و حقوقی که به مردان تعلق داشت به همان مقدار نیز به زنان نیز تعلق گرفت. از این رو در تاریخ اسلام با شخصیت های بزرگ و با فضیلتی از جنس زنان برخورد می کنیم.

بی تردید نقش و جایگاه زنان در پیشرفت اسلام و اجرای حق و عدالت غیر قابل انکار است، زنانی که با ایمانی محکم و تفکری عالی، مردان خود را با تمام وجود در این مسیر حمایت می کردند، و از آنجا که زن و مرد، به هنگام دفاع از حق و جهاد برای کسب عزت و شرف و جلب رضای خدا، یکسانند، همه به میدان آمدند و هر کدام به نوبه خود، وظیفه خود را ایفا کردند، و چه جالب است که صحنه کربلا همه درس-ها را در این مسأله، در خود نهفته دارد.

اینچنین است که پس از شهادت امام حسین علیه السلام که از همان روز عاشورا اثر بیدارکننده خود را گذاشت، فریاد انتقام از یکی از زنان سربازان دشمن که از قبيله بکر بن وائل بود سر داده شد. و با فریاد یالثارات رسول الله مردم را به گرفتن انتقام از قاتلان امام حسین علیه السلام تشویق کرد و در پی آن قیام های متعددی رخ داد تا بالاخره حکومت بنی امیه را سرنگون ساخت.

حمایت و مشارکت زنان در نهضت عاشورا در سایه شجاعت و مجاهدت

گذشته از مردان با شخصیت در نهضت امام حسین علیه السلام، زنان بزرگی هم بودند که تاریخ نام آنها را در واقعه

کربلا، بر صفحات زرین خود به یادگار گذاشته است.

«طوعه»: تنها حامی مسلم بن عقیل «نخستین زن عاشورایی»

«طوعه» آن زن بزرگواری است که وقتی همه درها به روی مسلم بن عقیل (علیه السلام)، آن مظلوم، آن نماینده حجت خدا حسین بن علی علیه السلام بسته می شود، درب خانه او به روی مسلم علیه السلام باز می گردد و به او پناه می دهد، آری نام طوعه در تاریخ کوفه و نهضت حسینی به یادگار مانده است به تعبیر دیگر نام این زن در کنار نام امام حسین علیه السلام در تاریخ کربلا جاودانه شده است.

ام وهب؛ اولین و تنها زن شهیده در واقعه عاشورا

در تبیین حمایت های بی دریغ زنان از یاران دلیر نهضت عاشورا، باید به ام وهب (همسر عبدالله بن عمیر) اشاره نمود؛ آنجا که «عبدالله بن عمیر کلبی» از جوانان شجاع و دلاور کوفه، تصمیمش برای یاری امام حسین علیه السلام را با همسرش «ام وهب» در میان گذاشت. وی نیز نظرش را تأیید کرد و به اتفاق همسرش شبانه به سوی کربلا شتافت.

در روز عاشورا و در صحنه نبرد، عبدالله بن عمیر پس از جنگی نمایان، این رجز را خواند: «ای زعیم لک ام وهب بالظعن فیهم مقدا والضرب»

ام وهب پس از شهادت همسرش در کنار پیکر قطعه قطعه اش حاضر شد و گفت: «بهشت بر تو گوارا باد، از خدایی که بهشت را بر تو ارزانی داشت می خواهم که مرا نیز در کنار تو قرار دهد».

چیزی نگذشت که غلام شمر با فرود آوردن عمود خویش بر فرق ام وهب او را در کنار همسرش به شهادت رساند و بدین ترتیب دعای او به هدف اجابت

رسید. این تنها زنی بود که در کربلا به افتخار شهادت نایل آمد.

بنابراین فداکاری این زن تنها در آن نبود که با عمود خیمه به مبارزه با دشمن برخاست و تنها به این نبود که در این راه شربت شهادت نوشید، بلکه از آن مهمتر این بود که وقتی پیکر پاره پاره همسرش را دید، گفت: «گوارا باد بر تو بهشتی که خدا نصیب تو کرد، از او می خواهم مرا به تو ملحق کند». این سخن حکایت از بالاترین درجه ایمان آمیخته با شجاعت بی نظیر او می کرد، چیزی که می تواند الگو برای همه نسل ها باشد.

تابلوهای شورانگیز یک زن رزمنده در حماسه زنان عاشورایی

گفتنی است جناده بن کعب انصاری در حالی که یازده سال بیشتر نداشت علیرغم مخالفت امام علیه السلام که فرمود: «شاید مادرش راضی نباشد». اما جناده عرض کرد: «مادرم به من فرمان داده است گام در این میدان بگذارم».

این نوجوان چون به شهادت رسید دشمن سرش را جدا کرده و آن را به سوی امام علیه السلام پرتاب کرد. مادر شجاعش «بحریه» سر فرزندش را برداشت و بوسید و با همان سر به طرف دشمن حمله کرد و آن را بر سر مردی از سپاه ابن سعد کوبید. آنگاه برگشت و ستون خیمه را گرفت و در حالی که این رجز را می خواند بر دشمن حمله کرد: «با اینکه در میان زنان، پیره زنی ضعیف، سست استخوان، فرو ریخته و لاغر اندامم، ولی در حمایت از فرزندان فاطمه گرامی سلام الله علیها، ضربات مهلکم را بر شما وارد می سازم». پس از آن عمود خیمه را به سوی دشمن پرتاب کرد که به دو نفر از آنها برخورد کرد.

زنی که شوهرش را حسینی و بهشتی کرد

«زهیر بن قین» را باید به جد از چهره های شگفتی ساز واقعه عاشورا دانست. زیرا مردی که عمری از هواداران عثمان به شمار می رفت و حتی حاضر نبود در منزلی که امام علیه السلام و خانواده اش فرود آمدند، لحظه ای درنگ کند؛ یک اتفاق ناخواسته دست او را به دامن امام علیه السلام رساند و به اوج عظمت و افتخار رسید و از چهره های ماندگار عاشورا شد.

بدین نحو که در منزل «زرود» (یکی از منازل بین راه) که زهیر فرود آمد؛ ناگهان فرستاده امام وارد شد و سلام کرد و گفت: «ای زهیر! مرا اباعبدالله الحسین علیه السلام به سوی تو فرستاده که او را ملاقات کنی!».

همسر زهیر گفت: سبحان الله! فرزند پیامبر تو را خوانده، اما تو از رفتن خودداری می کنی؟! «زهیر» از جا برخاست و با چهره ای گرفته و درهم به سوی امام رفت، ولی طولی نکشید که با چهره ای باز و خندان بازگشت. همسر زهیر برخاست و گریست و با او وداع کرد و گفت: خداوند یار و یاورت باشد و برای تو این سفر را به خیر کند و روز قیامت نزد جد حسین علیه السلام به یاد من هم باش.

شکوه صبر و استقامت بانوان انقلابی عاشورا

ریشه ایمان، صبر و شکیبایی در مقابل مشکلات است، لذا مشاهده صحنه های دلخراش واقعه کربلا با آن بدن های پاره پاره و پایمال سم اسبان که عمدتاً قابل شناسایی نبودند، می تواند هر بیننده ای را از پای درآورد ولی طمأنینه و آرامشی که در زینب کبری علیها السلام، یادگار صبر و شکوه علی علیه السلام و دیگر زنان عاشورایی ظهور کرد و صلابت و استحکامی که در کلمات دلنشین او موج می زد، تا

حدود زیادی آن فضای سنگین را شکست و آن را برای آل رسول قابل تحمل کرد.

زینب دختر شجاع امیرمؤمنان علیه السلام سنگ صبور اهل کاروان، و تسلی بخش برادر خود و ترسیم کننده آینده کربلا و عاشورا است. که منشأ این مسأله را باید در سفارش نورانی امام حسین علیه السلام جستجو نمود؛ مرحوم سید بن طاووس در این زمینه نقل می کند حسین علیه السلام زنان را دلداری داد، امام حسین علیه السلام ام کلثوم، زینب، رقیه، فاطمه و رباب را مورد خطاب قرار داد و آنها را به صبر و بردباری دعوت کرد،

لذا تاریخ این واقعیت را نشان داد که دشمنان امام حسین علیه السلام، آن حضرت و یارانش را در کربلا به خاک و خون کشیدند و خاندان او و زنان و کودکان را به اسارت کشاندند و آنچه از دستشان بر می آمد از ظلم و ستم بود روا داشتند ولی زنان حماسه ساز صبر و استقامت کردند.

بلاغت زنان عاشورایی؛ تکمیل عنصر رسالت و تبیین و تبلیغ نهضت حسینی نباید فراموش کرد قسمت زیادی از حماسه های کربلا شوق آفرین و شورانگیز است و به دنبال آن سیلاب اشک شوق به خاطر آن همه رشادت ها، فداکاری ها، شجاعت ها، آزادمردی ها، و سخنرانی های آتشین زنان به ظاهر اسیر، از دیدگان شنونده سرازیر می گردد.

پس از آن که کاروان اسیران را به کوفه و شام بردند، با خطبه های افشاگرانه زینب کبری علیها السلام، اوضاع شهر شام برگشت و با جو ایجاد شده بر ضد دستگاه خلافت اموی، یزید چاره ای جز اظهار ندامت و فرافکنی نداشت. در چنان شرایطی، زنان حرم حسینی در «شام» مراسم عزا و ماتم برپا کردند، تا آنجا که حتی زنان خاندان اموی نیز در

آن شرکت نمودند و این برنامه تا سه روز ادامه داشت.

لذا بی شک خطبه خوانی جناب ام کلثوم، دختر امیرمؤمنان علی علیه السلام و نیز خطبه خوانی دختر امام حسین علیه السلام همچون خطبه های پرشور عمه اش زینب علیها السلام که گاه خود را سپر بلای قرار می دادند و در کوفه و شام با افشاگری هایشان ظالمان را رسوا ساختند، بذر انقلاب را در همه جا پاشید و پیام خونین کربلا را به گوش مردم رساند.

سخن آخر

در خاتمه باید گفت زنان عاشورایی در مواقع حساس به سهم خود در پیشبرد اهداف اسلامی همراه مردان در برابر دشمن می ایستاده اند، صفحات درخشان زندگی زینب کبری علیه السلام و دیگر زنان عاشورایی که در تاریخ اسلام، گام بر جای گام های بزرگترین زنان عالم هم چون حضرت فاطمه زهرا علیها السلام نهاده اند، گواه این حقیقت است.

راز جاودانگی شعار «هیبهات من الذله» از منظر معظم له

طبیعت حوادث تاریخی این است که با گذشت زمان فرسوده و کهنه می شود، به عنوان نمونه دنیا در جنگ جهانی دوم میلیون ها نفر کشته داد و هزاران نفر در ویرانی ژاپن توسط بمب اتم جان باختند، اما گذر زمان موجب شد تا این حوادث در فراموشی قرار بگیرد.

لیکن حادثه عاشورای امام حسین علیه السلام با گذشت بیش از چهارده قرن سال به سال با عظمت تر و باشکوه تر برگزار می شود، زیرا کسانی که در راه خدا گام برداشتند رنگ زمان و فرسودگی به خود نمی گیرند. از این رو امام حسین علیه السلام شعار «هیبهات من الذله» را سر دادند، شعاری که جاودانگی و عزت را به همراه خواهد داشت.

«هَيْهَاتَ مِنَّا الذَّلَّةُ»؛ شمولیتی عام و در گستره جهانی

بی شک ما از مکتب امام حسین علیه السلام به عنوان مبارزه حق با باطل در زمان خودمان کمک می گیریم، آینده ها هم همین مبارزه را دارند و باید از این مکتب کمک بگیرند. لذا یک مسئله شخصی نیست بلکه یک هدف مستمر انسانی است. و جالب این است که جریان امام حسین علیه السلام فراتر از جهان اسلام هم تأثیر می گذارد. چون اهداف، اهدافی است که در غیر اسلام هم وجود دارد.

بنابراین وقتی می گوییم «هَيْهَاتَ مِنَّا الذَّلَّةُ». این منحصر به جامعه اسلامی نیست، بلکه هر انسان آزاده ای همان تعبیر امام حسین علیه السلام یعنی «هَيْهَاتَ مِنَّا الذَّلَّةُ» می گوید.

استقامت؛ مقاومت؛ عزت

گفتنی است در دنیای امروز شعارهایی در زمینه حقوق بشر و باز گرداندن حق محرومان به آنها داده می شود، ولی تجربه نشان داده که این شعارها دامی است برای همان قشر محروم و مستضعف و فریب و

نیرنگی است برای اغفال آنها و در نتیجه غصب حقوق آنان. بنا براین، این اصل که «حق را باید گرفت» هم در گذشته صادق بوده و هم امروز و هم فردا و فرداها.

لذا مؤمنان پاکدل و سربلند دست روی دست نمی گذارند تا زورمندان بی رحم تمام سرمایه ها و افتخارات آنها را بر باد دهند. نزد آنان تن به شمشیر دادن بر تسلیم ذلیلانه در برابر زورمندان غاصب ترجیح دارد. و این همان درسی است که امام حسین علیه السلام در میدان نینوا در روز عاشورا به جهانیان آموخت و در جمله های تاریخی و ماندگارش فرمود: «ألا! و إن الدعى بن الدعى قد تركنى بين السللة والذلة! و هیهات له ذلک! هیهات منى الذلّة! ...»، «آگاه باشید! مرد آلوده، فرزند آلوده، مرا در میان شمشیر و ذلت مخیر ساخته است. هیهات که من ذلت را بپذیرم و او به مقصد خویش برسد! خداوند و رسولش و مؤمنان و نیاکان پاک دامن و مادران پاکیزه، از این ابا دارند که اطاعت لئیمان را بر قربانگاه بزرگواران ترجیح دهیم».

پیام خون حسین علیه السلام؛ پیام جهانی (هیبهات من الذله)

خون شهید و شهادت او یک حادثه است، حادثه نیاز به تحلیل دارد، عوامل این حادثه چه بوده؟ پیامدهایش چه بوده؟ امروز می گویند خون شهید پیام دارد، پیام رسان آن عالم است، او است که باید با تجزیه و تحلیل، حادثه را موشکافی کرده، و پیام را بیرون کشد، اگر علماء و نویسندگان اسلامی نبودند تا به این حد حادثه کربلا و خون شهدای آن و پیام سرور آنها حسین بن علی علیهما السلام آشکار نمی شد، اگر دانشمندان و نویسندگان نبودند پیام خون حسین علیه السلام و پیام جهانی و انسانی او (هیبهات من الذله) که همیشه بعنوان تابلوی روشن در مسیر هر قوم و ملتی متجلی است روشن نمی شد.

«هیبهات من الذله»؛ گفتمان معنایی در استکبار ستیزی

بی تردید مسأله قیام خونین امام حسین علیه السلام امروز برای ما شیعیان به صورت یک الگو و برنامه جهت مقاومت در برابر هر

گونه استبداد و زورگویی و ظلم و ستم درآمده و شعارهای «هیبهات من الذله»؛ ما هرگز تن به ذلت نمی دهیم»، که برگرفته از تاریخ خونبار کربلاست همیشه به ما کمک کرده است که در مقابل حکومت های ظالم بایستیم و با اقتدا به سالار شهیدان حسین علیه السلام و یارانش، شر ظالمان را برطرف سازیم (در انقلاب جمهوری اسلامی ایران نیز همه جا این شعار به چشم می خورد).

از این رو بزرگداشت خاطره شهدای اسلام، مخصوصاً شهیدان کربلا، روح حماسه و ایثار و شهامت و جانبازی در راه عقیده و ایمان را همواره در ما زنده می دارد، و به ما درس های مهمی برای سربلند زیستن و تن به ظلم ندادن می دهد، این است فلسفه زنده نگهداشتن این خاطره ها و تجدید مراسم عزاداری در هر سال.

شرافت مرگ با عزت بر زندگی ذلت بار

شعار «هیبهات من الذله» نشان می دهد مرگ با عزت بر زندگی توأم با ذلت به مراتب شرف دارد. این پیامی است که همیشه بزرگ مردان تاریخ بشریت و اولیاء الله به ویژه سالار شهیدان به پیروان خود در تمام قرون و اعصار، ابلاغ کرده اند.

سخن آخر

در خاتمه باید گفت شعار «هیبهات من الذله» هیچ گاه کهنه نمی شود و هر چه به این اهداف گره بخورد رنگ جاودانگی به خود می گیرد؛ بلکه باید گفت «هیبهات من الذله» شعار همیشگی ماست و این برای دشمن دردناک است که عاشورا تبدیل به جهاد زنده می شود و جریان کربلا تاریخ سیاری است که همیشه بوده و خواهد بود و برای همه درس و الگوست.

اینگونه است که بار دیگر عاشورای حسینی با عظمت و شکوه فراوان فرا می رسد و خون های پاک شهیدان کربلا جوشش دیگری پیدا می کند و عاشقان مکتبش برای برگزاری این مراسم تاریخی باشکوه هر چه بیشتر آماده می شوند، مخصوصاً جوانان با ایمان و پاکباز در خط مقدم این مراسم قرار دارند و وفاداری خود را با شعار تاریخی سرور شهیدان کربلا «هیبهات من الذله» با تمام وجود خود اعلام می دارند.



قبل از هر چیز در آغاز سخن، هفته دفاع مقدس را گرامی می داریم، مفهوم «دفاع مقدس» به جنگ تحمیلی حکومت بعثی عراق علیه ایران اطلاق می شود که با دفاع شیرمردان ایران اسلامی از سال ۱۳۵۹، دو سال پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، شروع شد و هشت سال طول کشید.

لذا ما در جنگ هرگز پیشقدم نبودیم و این ارتش بعث عراق بود که به کشور ما حمله نظامی نمود، تمام عملکرد ما در طول هشت سال چیزی غیر از مقاومت و دفاع در برابر دشمن بیگانه نبود و این از مسلمات تاریخی به شمار می رود که حتی دشمنان هم به متجاوز بودن دولت عراق اعتراف نمودند.

جنگ ما در دوران هشت سال دفاع مقدس، در تاریخ سابقه نداشته است؛ گرچه با جنگ های مختلفی روبرو بوده ایم اما این جنگ از نظر گستردگی زمان و مکان مسبوق به سابقه نیست. ما در جنگ تحمیلی صدها هزار شهید و جانباز و مفقود الاثر دادیم، لذا انقلاب اسلامی به راحتی بدست نیامده است تا بخواهیم به آسانی آن را از دست دهیم، بلکه هزاران جوان برای پیروزی این انقلاب خون دادند و در برابر دشمنان ایستادگی کردند تا به ثمر رسید، لذا ارزش های انقلاب نباید کمرنگ شود.

بنابراین دوران هشت سال دفاع مقدس نمونه ای از شکست ناپذیری جمهوری اسلامی ایران است که این توفیقات نیز به برکت انقلاب اسلامی و انقلاب نیز به برکت دین و اسلام است.

ضرورت دفاع از تمامیت ارضی در آموزه های قرآنی

یکی از مهم ترین فلسفه های جهاد زمانی است که مسلمانان از سوی دشمنان لجوج و بی رحم تحت فشار قرار گیرند؛ در قرآن کریم اجازه قیام مسلحانه و جهاد در این حالت صادر شده است، لذا می خوانیم: «أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده اجازه جهاد داده شده است، به خاطر اینکه مورد ستم قرار گرفته اند، و خداوند بر یاری آنها توانایی دارد».

در اینجا هم اجازه جهاد داده شده، و هم وعده پیروزی از سوی خداوند، و دلیل آن هم این ذکر شده که دشمن جنگ را ظالمانه شروع کرده، و در برابر دشمن سکوت غلط است، چرا که مایه جرأت و جسارت مخالفان و ضعف و ناامیدی دوستان است.

مرحوم طبرسی در مجمع البیان می گوید: «مشرکان عرب پیوسته مسلمانان را آزار می دادند، و همیشه افرادی مجروح و مضروب نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله می آمدند، و از دست آنها شکایت می کردند، و رسول خدا صلی الله علیه و آله به آنها می فرمود: «شکیبایی پیشه کنید که من (هنوز) مأمور به جنگ نیستم، تا زمانی که هجرت کرد، آنگاه این آیه نازل شد، و اولین آیه ای است که به مسلمانان اجازه جنگ می دهد». قابل توجه اینکه قرآن مجید در آیه قبل از آن می گوید: «إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا؛ خداوند از مؤمنان دفاع می کند»؛ یعنی این سخن به آن معنی نیست؛ که آنها در گوشه ای بنشینند و دست روی دست بگذارند؛ و منتظر دفاع الهی باشند، بلکه سنت الهی بر این قرار گرفته که دفاع او از مؤمنان بعد از آن باشد که وظیفه خود در امر جهاد و مقابله با دشمن انجام دهند، پس کسانی به حمایت الهی اطمینان داشته باشند؛

که وظیفه جهاد را ترک نکنند.

و نیز این نکته قابل توجه است که خداوند برای تشویق مؤمنان به دفاع مقدس می گوید: «الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ...» اشاره به این که دشمن شما را از خانه و لانه خود به جرم ایمان تان به خداوند بیرون کرده، اگر در برابر آنها نایستید، هم دنیای شما، و هم دین و ایمان و مساجد... شمادر خراست.

لذا غیرت دینی در انسانها مقتضی دفاع از حریم خانواده و دین و آب و خاک است. زیرا اساساً انسان رابطه مادی و معنوی فراوانی با زادگاه خود دارد و تاریخ زندگیش با آن پیوند ناگسستنی پیدا کرده است. همین پیوند، سبب علاقه او به وطن می شود و همین علاقه، انگیزه حفظ و دفاع و عمران و آبادی آن می گردد.

دفاع مقدس؛ معجزه الهی

بی تردید اگر دو نکته را در نظر بگیریم می دانیم پیروزی در این جنگ هشت ساله واقعاً معجزه الهیه بود. اولاً امروز بر کسی مخفی نیست که تمام دول غربی مخصوصاً آمریکا و انگلستان و اسرائیل به حمایت همه جانبه از صدام برخاسته بودند، پیشرفته ترین سلاح ها و دقیق ترین اطلاعات از مواضع ما را در اختیار او گذارده بودند.

ثانیاً ما در آغاز انقلاب بودیم همه چیز از هم پاشیده بود نه ارتش منظمی نه سلاح های مرتبی، نه برنامه ای منسجم و این خاصیت آغاز انقلاب بود، زیرا همه چیز ویران می شد تا بنای نوینی برای ویرانه ها ساخته شود و درست دشمن می خواست از همین ضعف استفاده کند، اما خدا اراده دیگری کرده بود. بعد از هشت سال جنگیدن ما بی آنکه یک وجب از خاکمان در اختیار دشمن باشد سربلند بیرون آمدیم. امام راحل (قدس سره) گام پیش نهاد و زمام را به دست

با کفایت خود گرفت و این معجزه الهیه رخ داد.

ایمان و توکل به خدا؛ رمز موفقیت در دفاع مقدس

گفتنی است در صدر اسلام قدرت و پیروزی به واسطه تعداد نفرات بیشتر حاصل می شد، لیکن اسلام توازن قوا را به هم زد، در آرایش نظامی غزواتی که با حضور پیامبر صلی الله علیه و آله صورت می گرفت نیز برتری ظاهری با دشمنان بود و تعداد نفرات لشکر کفر در برابر سپاه اسلام بسیار زیاد و قابل مقایسه نبود؛ اما با این اوصاف آنچه که موجب پیروزی مسلمانان می شد ایمان و توکل به خداوند بود.

منطق مسلمین این بود که یا به پیروزی می رسند و یا در این مسیر به شهادت می رسند و یا اینکه دشمن را می کشند و یا آنان به عذاب الهی گرفتار می شوند که در هر دو حالت دشمنان مغلوب هستند.

بدین ترتیب باید گفت فداکاری های مردم، سپاه، بسیج و ارتش در هشت سال دفاع مقدس، مولود اعتقاد دینی و مذهبی بود و اگر این عامل نبود در روزهای اول، جنگ را باخته بودیم و این جنگ قدرت مذهب ما را نشان داد.

ما در طول هشت سال دفاع مقدس و جنگ تحمیلی، شاهد نبرد رزمندگان دلیر و شجاعی بودیم که جز رضایت پروردگار چیز دیگری آنها را آرام نمی کرد. دلاورمردانی که در حریم قلبشان کسی و چیزی جز او لانه نمی کرد. رزمندگانی که علیرغم نابرابری توان نظامی با دشمن تا دندان مسلح، در صفوفی منظم و دست در دست یکدیگر، به سمت جبهه ها حرکت می کردند، و تمام موانع ایذایی دشمن را علیرغم تمام نوآوری ها و پیشرفتی که داشت برطرف می کردند، و با یاد و نام پروردگار، و توسل به اولیاءالله بی مهابا به قلب دشمن می زدند، و به «إحدى

الحسنین» می رسیدند.

زمزمه های شب جمعه، زیارت عاشورا، دعا و توسل، نمازهای شب و حتی شوخی های شب حمله برای کسانی که مرگ را در چند قدمی خود می دیدند، تفسیری جز عشق آنها به پروردگار، و شوق آنها برای رسیدن به محبوب نداشت.

لذا همه دنیا می داند آنچه باعث پیروزی در جنگ هشت ساله بود مذهب بود، رمزهای یازدها سلام الله علیها، یا مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، و دعای کمیل و دعای ندبه در سنگرها و زیارت عاشورا در شب ها قبل از حمله بود. لذا کسانی که می خواهند نقش ایمان و مذهب را کمرنگ کنند سخت در اشتباهند. زیرا تکیه گاه ما مکتب اسلام است.

حال آنکه دشمنان نیز امروزه از ایمان ما هراس دارند و با اینکه می گویند گزینه های نظامی روی میز است اما جرأت دست زدن به آنان را ندارند.

لزوم انتقال آموزه های دفاع مقدس به نسل جوان

دفاع مقدس از جمله بخش های مهم تاریخ ایران اسلامی به شمار می رود؛ جنگ با این گستردگی و پشتیبانی ابرقدرت های جهان خوار از صدام و سرانجام پیروزی امت اسلامی ایران بسیار مهم بود و باید آن را برای آیندگان حفظ کنیم و به نسل کنونی کاملاً اطلاع رسانی نماییم.

زیرا چیزی که انسان ارزان به دست آورد، ارزان نیز از دست می دهد و آن چه را که گران به دست آورد، به آسانی از دست نمی دهد. لذا نخستین مساله این است که با توجه به این که نسل جوان، دوران دفاع مقدس را درک نکرده اند، باید تجارب ارزنده و ارزشمند دوران دفاع مقدس را برای نسل جدید بیان نمود، باید با حفظ خاطرات دفاع مقدس، آن را به جوانان و مردم ارائه کرد تا آنها بدانند این عظمت ارزان بدست نیامده

است که ارزان از دست برود.

باید نسل جدید را به حال و هوای دفاع مقدس برد و آن حال و هوا را از طرق مختلف برای ایشان تشریح کرد تا اگر دشمن دوباره قصد نامربوطی داشت، با سد آهنین نیروهای مسلح و ملت مواجه شود.

هم چنین آموزش های مذهبی باید برای نسل جوان برگزار شود به عنوان نمونه در نهج البلاغه خطبه های متعددی درباره جهاد وجود دارد و در روایات معصومین علیهم السلام و تاریخ صدر اسلام، نکات مهمی وجود دارد که باید به آن توجه کرد.

از این منظر، هفته دفاع مقدس فرصت خوبی برای طرح این مسائل است، وقتی نسل آینده عمق معنایی دفاع مقدس را دریابد در حفظ آن تلاش بیشتری می نمایند و پای آن می ایستند.

جرأت و شهامت از دیگر فواید زنده نگه داشتن تاریخ دفاع مقدس برای نسل جوان است، زمانی که نسل های آینده بدانند نیاکان و پدران و مادران آنان در چه شرایطی در مقابل دشمن ایستادند و نگذاشتند حتی یک وجب از خاک این کشور کم شود، این امر باعث می شود آن ها نیز قدرت به دست آورند و شجاعت خود را حفظ کنند.

ضرورت تبیین فرهنگ جهاد و شهادت

یکی از رموز موفقیت ملت ما فرهنگ جهاد و شهادت بوده است، فرهنگی که برآمده از قیام امام حسین علیه السلام است لذا حماسه های غرورآفرین هشت سال دفاع مقدس در جبهه های نبرد حق علیه باطل، نمونه ای بارز و روشن از تأسی و الگوپذیری از نهضت امام حسین علیه السلام در عصر حاضر است.

بدیهی است شهادت در فرهنگ قرآن و روایات اسلامی جایگاه ویژه ای دارد و ضروری است این مساله بیش از پیش

مورد توجه قرار گیرد و برای نسل جوان تبیین گردد. لذا باید روی این مساله مهم کار، بررسی، استخراج، تبیین و تحلیل شود، زیرا از نظر عقلی، اگر جامعه ای آماده جهاد و شهادت نباشد دلیل می شود، از همین رو است که دشمن تلاش می کند تا جوانان را از این فرهنگ دور سازد.

از سوی دیگر فرهنگ ایثار و شهادت ضامن بقای انقلاب اسلامی است؛ این فرهنگ موجب قدرت و عزت برای نظام و ترس دشمنان از این روحیه است. لذا آموزه های ایثار و شهادت باید حفظ شود و به آیندگان منتقل شود و تا این فرهنگ وجود دارد دشمن جرأت تعرض به کشور را ندارد.

لزوم تبیین نقش مراجع و علما در دفاع مقدس

حضور فقها و عالمان دین و روحانیت آگاه و با بصیرت در امت اسلامی همچون ستون های استوار است که جامعه را در مواجهه با لرزش ها و لغزش های انحراف و انحطاط محافظت نموده و اجرای احکام و فرامین الهی و گسترش و جاودانگی و اعتلای اسلام راستین را تضمین می نماید.

گفتنی است مراجع و علما در دوران دفاع مقدس نقش بسزایی داشتند مراجع و علما با تاسی از امام خود امیرالمومنین علیه السلام همان گونه که مردم را برای حضور در جبهه ها دعوت می کردند خود نیز در این جنگ نابرابر پیش قدم بودند که اسناد و مدارک آن موجود و تاریخ آن را به ثبت رسانده است.

ممکن است اگر نقش بزرگان دین و علمای حوزه علمیه برای مردم تبیین نگردد افراد بدخواه تصور کنند که روحانیان کنار ایستادند و جوانان را وادار به رفتن به جبهه ها کردند؛ در حالی که آمار نشان می دهد بیشترین نقش را حوزویان و بیشترین شهیدان را این قشر داشته است.

شهادت بیش از چهارهزار روحانی در دوران دفاع مقدس نشان می دهد ما افراد بسیار عزیزی را در جنگ از دست داده ایم، در میان آنان روحانیون نسبت به جمعیت، بیشتر از دیگر اصناف و گروه ها شهید تقدیم انقلاب کرده اند.

لذا این افتخار بزرگی است برای روحانیت که اگر می گوید شهادت خوب است، ابتدا خودش پا به میدان مبارزه می گذارد و در صحنه دفاع از کشور و نظام به میدان می رود.

با این تفاسیر و برای تبیین نقش مراجع و علما در دفاع مقدس باید در سه سطح عام، نیمه عام و خاص با رویکرد بررسی شخصیت امام خمینی رحمت الله علیه به عنوان مرجع تقلید و فرمانده کل قوا، نقش کلی روحانیت در سالیان دفاع مقدس و نقش آفرینی شهدای بزرگواری چون شهید محلاتی، میثمی، ردانی پور، شریف قنوتی و دیگران اقدام نمود.

لذا باید در جامعه به خوبی گستره این جنگ بیان شود؛ و این مسأله مهم به صورت دقیق برای مردم بازگو شود تا آن ها نقش حوزه های علمیه و مراجع را در جنگ تحمیلی بدانند و به اهمیت آن پی ببرند.

ضرورت پاسداشت مقام شامخ شهدا و خانواده های معظم آنان

شهدای دوران دفاع مقدس اسباب پیروزی انقلاب اسلامی و شهدای امروز و آینده، اسباب حفظ انقلاب اسلامی هستند.

لذا اسلام جایگاه والایی برای شهدا قائل است و باید این جایگاه در جامعه شناسانده شود و خانواده معظم شهدا مورد تکریم قرار گیرند.

برای تحقق این امر، بزرگداشت شهدا یکی از وظایف مهم همه ما است، زیرا امروز ما بر سر سفره شهدا نشسته ایم و پیشرفت و بالندگی جمهوری اسلامی و هم چنین امنیت و عزت و اقتدار

نظام اسلامی و پیروزی های متعددی که نصیب ملت ما شده به برکت خون شهدا است. همه باید قردان خون شهدا باشیم و اگر شکر این نعمت را بحا نیاوریم مسؤول هستیم.

نباید فراموش نمود که هر زمان ممکن است دشمن علیه ما حمله کند از این رو نیاز است رزمندگان پا به میدان بگذارند، جامعه و مردم وقتی ببینند شهید در جامعه ارزش والایی دارد آنها هم تشویق می شوند که به این مقام والا نائل شوند.

در حالی که اگر نسبت به شهدا تجلیل کامل نشود ممکن است خانواده های آنها دلگیر و غمگین شوند و ما باید به گونه ای عمل کنیم که آنها احساس غربت نکنند.

لذا وظیفه بنیاد شهید و امور ایثارگران، در دو حوزه خدمت و قدردانی از خانواده شهداست، ملت ایران نیز قردان این ایثارگری ها است و باید این فرهنگ و آگاهی به نسل آینده منتقل شود که امنیت و آرامش امروز ایران اسلامی در میان ناآرامی های منطقه مرهون همین ایثارگری شهدا است.

صیانت از دستاوردهای دفاع مقدس در گرو ارتقای توان دفاعی نیروهای مسلح

لازم به ذکر است هرچند ما خسارت هایی در جنگ متحمل شدیم، اما نیرومندترین خاورمیانه را به دست آوردیم و این یکی از دستاوردهای دفاع مقدس است.

نیروهای مسلح ما با ابداعات و اختراعات سبب شده اند که دیگر کسی جرات نمی کند بگوید گزینه نظامی روی میز است و دیگر از آن دم نمی زنند.

آنچه امروز سبب می شود آمریکا و اسرائیل به ما حمله نکنند ترس آنها از کفن پوشان جان برکف استحال آنکه باید دید دشمنان این نظام در سوریه و

عراق چه کردند، طبیعتاً در برابر کشوری مثل جمهوری اسلامی ایران که از همه جهت قوی تر است نمی توانند کاری از پیش ببرند و این نتیجه همان فداکاری های دوران دفاع مقدس است.

البته باید اذعان نمود دشمن هر قدر فشار بیاورد ما قوی ترمی شویم؛ طبیعی است با هر تهدید آن ها بیش از پیش به تقویت قوای دفاعی کشور خواهیم پرداخت.

لزوم تدوین فرهنگ دفاع مقدس

بی شک فراموشی یاد شهدا از تهدیدات فراروی انقلاب است لذا تدوین خاطرات دفاع مقدس برای جلوگیری از محو تاریخ ضروری است، زیرا هرچه می گذرد گرد و غبار فراموشی بر تاریخ می نشیند و برای این که فرهنگ دفاع مقدس جاودانه شود باید در مطبوعات و مکتوبات دیده شود و این کار مهمی است.

از سوی دیگر سرمایه آیندگان، تجارب گذشتگان است. اگر این تجربیات منتقل نشود و آیندگان بخواهند خودشان تجربه کنند، باید هزینه ها را دوباره بپردازند.

ضرورت تدوین تقویم دفاع مقدس

دفاع مقدس تجربه گرانبهایی است و آشنایی با این تجربه برای نسل جدید لازم است، در این میان تجمیع اخبار جنگ بسیار مهم و ضروری است، از این رو مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس که وظیفه جمع آوری اخبار جنگ را دارد نباید تنها آن را در اختیار محققان قرار دهد بلکه باید به صورت مستند و با ادبیات مناسب در سطح عموم منتشر کند.

باید تقویم جنگ تدوین شود و تمام وقایع آن، روز به روز به صورت کوتاه در آن درج گردد تا صدا و سیما و مطبوعات بر اساس آن به تولید گزارش ها و برنامه های مربوط به جنگ بپردازند.

هم چنین اخبار جنگ علاوه بر انتشار در سطوح مختلف جامعه باید در کتاب های درسی دبستان، دبیرستان و دانشگاه گنجانده شود.

حفظ روحیه جهادی؛ مولفه بنیادین

در صیانت از آموزه های دفاع مقدس جهاد قانون حیات است. لذا اگر جامعه اسلامی جهاد نکند و برای دفاع از اسلام و انقلاب آمادگی نداشته باشد متلاشی می شود.

از این رو اگر رزمندگان دلیر و مخلص ایران اسلامی شجاع نبودند ما در دفاع مقدس بر خلاف معادلات سیاسی سیاستمداران، فاتح جنگ نمی شدیم.

هم چنین تنها مولفه ای که کشور ما را در این ۳۸ سال پابرجا نگه داشته زنده بودن روحیه جهادی در سپاه، ارتش و بسیج است و تا وقتی این روحیه زنده است هیچ آسیبی به ما نخواهد رسید هر چند دشمنان ما را تهدید کنند.

البته به پایان رسیدن هشت سال دفاع مقدس به معنای به پایان رسیدن جهاد نیست بلکه روحیه جهادی باید همواره از نسلی به نسلی دیگر منتقل شود، هم چنین جهاد منحصر به امور نظامی نیست بلکه شامل مباحث اعتقادی هم می شود بنابراین باید عقاید نوجوانان و جوانان را به عنوان پشتوانه آمادگی نظامی تقویت کرد.

سخن آخر

در خاتمه باید تأکید کرد اسلام و مکتب اهل بیت علیهم السلام حد و مرز ما است و ما غیر از این مرزی نمی شناسیم و در هر کجا که احساس کنیم ممکن است خدشه ای به اسلام وارد شود به وظیفه خود عمل می کنیم.

امروز شاهد هستیم که در سوریه آمریکا به اسم مبارزه با داعش لشکر این کشور را هدف گرفته است لیکن با مجاهدت های رزمندگان اسلام در دفاع از حرم، دورانی همانند دوران دفاع مقدس، در

سرزمین های اسلامی در حال تکرار است، به نحوی که اگر در عرصه دفاع از حرم، مدافعان حرم حضور نداشتند امروز شاهد تسلط دشمنان بر مناطق مهمی از جهان اسلام بودیم.

تردید نیست که باید هر تلاشی را انجام دهیم تا دفاع مقدس جاودان بماند، حفظ حوادث مهم ضروری است و این جنگ افتخاری برای ما بود و ثابت کرد که اسلام می تواند چنین مجاهدانی تربیت کند.

شایسته است در هفته دفاع مقدس به یادآوریم که چه رشادت ها و ایثارها در دفاع از کشور و نظام در هشت سال انجام شد و چه شهدای عزیزی در این راه داده ایم.

در این هفته باید به این حقیقت نیز توجه نماییم که تا چه اندازه دستاوردهای انقلاب را امروز حفظ کرده ایم، به راستی این وضع فرهنگی که الان داریم، مفاسد اخلاقی، بدحجابی، رسوایی اقتصادی .. آیا اینها با دستاوردهای انقلاب و دفاع مقدس سازگار است؟.

امیدواریم و دعا می کنیم کسانی که قدر انقلاب را نمی دانند و زحمات هشت سال دفاع مقدس را فراموش کرده اند خداوند آنها را متوجه اشتباه شان بکند.

هم چنین از خداوند متعال مسألت می نمایم روح امام رحمت الله علیه و ارواح شهدایمان را غریق رحمت واسعه اش قرار دهد و به رزمندگان مخصوصاً جانبازان و ایثارگران اجر بیکران عنایت فرماید.

منطق «سازش ناپذیری» در نهضت امام حسین علیه السلام از منظر معظم له

با مرگ معاویه در نیمه رجب سال شصتم هجری قمری، فرزندش یزید خلافت را، همچون پدر، به زور و بدون هیچ ضابطه ای در اختیار گرفت، فساد و فحشا و ظلم در عصر یزید به مراتب بدتر از عصر پدرش فراگیر شد.

لذا امام حسین علیه السلام به قصد اصلاح مفاستدی که در طول این مدت و پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله در جامعه رخ داده بود دست رد بر سینه یزید برای بیعت با او زد و برای احیای حق و از بین بردن باطل قیام کرد.

بدیهی است در جایی که اساس دین و اسلام و قرآن، یا نظام های اسلامی به خطر می افتد، در چنین مواردی باید عقاید را اظهار نمود هر چند انسان، قربانی اظهار عقیده اش شود، قیام امام حسین علیه السلام در عاشورا و کربلا، دقیقاً در راستای همین هدف بود. لذا در واقعه کربلا و جانبازی حسین بن علی علیه السلام گذشتن او از همه چیز خود، در حالی که شرایط برای صلح و رسیدن به مقامات دنیوی آماده بود زبانزد خاص و عام است.

غیرت دینی؛ دین یاوری در سایه سازش ناپذیری در قیام عاشورا

باید اذعان نمود غیرت دینی، عامل بسیار مهمی برای دفاع از حریم قوانین اسلام است. غیرت دینی یعنی اینکه انسان، در برابر تخلفاتی که از مسیر حق و عدالت و احکام الهی می شود، خاموش ننشیند و بی تفاوت از کنار آنها نگذرد بلکه تخلف، هر چه شدیدتر باشد، جوش و خروش او بیشتر گردد.

لذا آن حضرت فقط و فقط برای رضای خدا و احیای دین حق دست به قیام زد؛ جای جای تاریخ کربلا گواه این مدعاست.

به عنوان نمونه آن گاه که امام علیه السلام در مسیر کربلا با «فرزدق» ملاقات می کند، به روشنی از قیام برای نصرت دین خدا سخن می گوید: «یا فرزدق .. و انا اولی من قام بنصره دین الله ..؛ ای فرزدق!.. من از هر کس به یاری دین خدا و سربلندی آیینش

و جهاد در راهش سزاوارترم. تا آیین خدا پیروز و برتر باشد».

لذا پس از مرگ معاویه و به خلافت رسیدن یزید، شرایط برای مبارزه با ستمگران و تشکیل حکومت اسلامی از طریق ترک بیعت بایزید(و اعلام عدم شایستگی او برای خلافت)،بیش از زمان گذشته فراهم شده بود و آن حضرت در این مسیر اقداماتی را در پیش گرفت.

از این رو، هنگامی که خبر مرگ معاویه به مدینه رسید؛ آن حضرت فرمود: «إنی لأبایع له أبد؛ هیچ گاه با یزید بیعت نخواهم کرد..».

همچنین به والی مدینه نیز فرمود: «إنا أهل بیت النبوة، و معدن الرسالة... و یزید رجل فاسق ... و مثلی لا یبایع لمثلہ؛ ما از خاندان نبوت و معدن رسالت و جایگاه رفیع رفت و آمد فرشتگانیم ... در حالی که یزید مردی است، فاسق، می گسار، قاتل بی گناهان؛ او کسی است که آشکارا مرتکب فسق و فجور می شود. بنابراین، هرگز شخصی همانند من، با مردی همانند وی بیعت نخواهد کرد».

از سوی دیگر امام علیه السلام در پی اصرار «مروان بن حکم» برای بیعت با یزید، با قاطعیت فرمود: «و علی الإسلام ألسلام إذ قد بلیت الأمة براع مثل یزید...؛ هنگامی که امت اسلامی به زمامداری مثل یزید گرفتار آید، باید فاتحه اسلام را خواند! من از جدم رسول خدا شنیدم که می فرمود: خلافت بر خاندان ابوسفیان حرام است!».

آن حضرت تصریح کرد که با وجود خلیفه ای همچو یزید، فاتحه اسلام خوانده است و دیگر آمیدی به بقای دین خدا در حکومت یزید نمی رود.

در سخنی دیگر آن حضرت خطاب به برادرش محمد حنفیه؛ بار دیگر بر عدم بیعت با یزید به هر قیمتی تأکید می ورزد و می فرماید: «.. لما بایعت یزید بن معاویة؛ ای برادر! به خدا سوگند! اگر در هیچ نقطه ای از دنیا، هیچ پناهگاه و جای امنی نداشته باشم هرگز با یزید بن معاویه بیعت نخواهم کرد».

اینگونه است که امام علیه السلام در خطبه ای در مسیر کربلا همگان را به غیرت دینی دعوت کردو فرمود: «لا تروا الی الحق لا یعمل به...؛ آیا نمی بینید به حق عمل نمی شود و از باطل جلوگیری نمی گردد، در

چنین شرایطی بر مؤمن لازم است راغب دیدار پروردگارش (شهادت) باشد».

هم چنین در فراز دیگر از آن حضرت می خوانیم که فرمود: «..فحاموا عن دین الله؛ ای یاران من!.. از دین خدا حمایت کنید». که روش شناسی آن حضرت در حمایت از دین، تعبیر روشن این کلام حضرت سیدالشهدا علیه السلام است که فرمود؛ «اسیر بسیره جدی و ابی علی بن ابی طالب؛ من می خواهم به روش جدم و پدرم علی بن ابی طالب علیه السلام رفتار نمایم!».

از این رو امام حسین علیه السلام با این کلمات هم هدف خویش را از قیام و حرکتش بیان می کند و هم آمادگی خویش را برای شهادت در طریق مبارزه با باطل و احیای دین خدا اعلام می دارد.

مجاهدت؛ تجلی قیام حسینی با تأکید بر اصل مبارزه و جهاد؛ نفی مذاکره و سازش جهاد «مظلوم» در برابر «ظالم و ستمگر» حق مسلم طبیعی و فطری و عقلی او است که تن به ظلم ندهد، برخیزد و فریاد کند، و دست به اسلحه برد، ظالم را بر سر جای خود بنشانند و دست آلوده او را از حقوق خود کوتاه سازد.

بدیهی است در مورد قیام امام حسین علیه السلام و صلح برادر بزرگوارش امام حسن علیه السلام باید تمام جهات تاریخی و اوضاع و احوال زمان آن دو بزرگوار را در نظر بگیریم تا اسرار آن «صلح» و این «جنگ» روشن شود. درست است که معاویه از نظر روحیات چندان تفاوتی با فرزندش یزید نداشت، ولی به گواهی همه توارخ، معاویه مردی محافظه کار و مرموز بود و سعی می کرد اعمال ناروای خود را در قالب های فریبنده و عوام پسند بریزد.

زیرا امام حسین علیه السلام بعد از برادرش امام حسن علیه السلام حدود ده سال در برابر معاویه صبر کرد و اقدام به مبارزه و جنگ نمود، ولی به محض این که شنید معاویه از دنیا رفته و فرزند وی یزید به جای او نشست، مبارزه را شروع کرد و از آغاز با رد قطعی بیعت او، به وی اعلان جنگ داد و از پای ننشست تا در صحنه جانبازی کربلا آخرین قطرات خون خود را در راه سربلندی و عظمت اسلام و کوتاه کردن دست های آلوده و جنایتکار بنی امیه نثار کرد.

ولی جانشین خام و ناپخته اویعنی یزید نه

تنها به اصول اسلام عقیده ای نداشت بلکه از اصول کشور داری و سیاست به کلی بی بهره بود، لذا آن مختصر حفظ ظاهری را هم که معاویه مراعات می کرد رعایت نمی کرد، آشکارا قوانین اسلام را زیر پا گذاشته و بی پروا با مقدسات اسلام مخالفت می نمود و پرده دری و وقاحت را به حداکثر رسانیده بود.

در چنین شرایطی، افکار عمومی مسلمان ها آماده شورش بر ضد دستگاه بنی امیه و بر چیدن این بساط ننگین بود، در اینجا بود که قیام امام حسین علیه السلام به عنوان آخرین ضربت کار خودش را کرد.

شهادت؛ عروج آسمانی حضرت سیدالشهدا علیه السلام مرهون نفی مذاکره و سازش با دشمنان اسلام

ائمه و پیشوایان دین به ما دستور داده اند تا آنجا که قدرت داریم از حق خود دفاع کنیم و زیر بار ظلم نرویم و آزادانه به زندگی خود ادامه دهیم، چنان که حضرت امام حسین علیه السلام در یکی از خطبه های خود می فرماید: «ای مردم آگاه باشید فرومایه ای مرا میان جنگ کردن (کشته شدن) و تن به ذلت در دادن مخیر ساخته است، ولی ذلت از ساحت ما به دور است، ما هرگز تن به ذلت نمی دهیم».

اینگونه است که امام حسین علیه السلام در حادثه خونین کربلا فرمود: «لا و الله لا أعطیکم بیدی إعطاء الذلیل و لا أقر لکم اقرار العبید»، «نه، به خدا سوگند دست ذلت در دست شما نمی گذارم، و همچون بردگان تسلیم نمی شوم، (بلکه می جنگم و سربلند شربت شهادت را می نوشم!»).

روح سازش ناپذیری در واقعه کربلا، در سخن سالار شهیدان امام حسین علیه السلام قابل مشاهده است، آن حضرت فرمود: «... هیهات منا الذلّة ..؛ هیهات که من ذلت را بپذیرم».

در نمونه تاریخی دیگر می خوانیم؛ «ابن عباس» حضرت را به بیعت با یزید و سازش با بنی امیه توصیه کرد! امام علیه السلام فرمود: «هیهات! هیهات! ای ابن عباس! اینان دست از من برنخواهند داشت تا به اجبار بیعت کرده و مرا به قتل برسانند».

هم چنین در فراز دیگر فرستاده عمر بن سعد نزد امام علیه السلام آمد. و عرض کرد: مولای من! چرا به دیار ما آمده ای؟ امام

علیه السلام در پاسخ فرمودند: اهالی شهر شما به من نامه نوشتند و مرا دعوت کرده اند، و اگر از آمدن من ناخشنودند باز خواهم گشت!».

پس از پاسخ امام علیه السلام، ابن زیاد در پاسخ نامه ابن سعد در این مسأله نوشت: «از حسین بن علی علیه السلام بخواه، تا او و تمام یارانش با یزید بیعت کنند. اگر چنین کرد، ما نظر خود را خواهیم نوشت ...!» عمر بن سعد، متن نامه عبدالله بن زیاد را نزد امام حسین علیه السلام فرستاد. امام علیه السلام فرمود: «من هرگز به این نامه ابن زیاد پاسخ نخواهم داد. آیا بالاتر از مرگ سرانجامی خواهد بود؟! خوشا چنین مرگی!».

تلاش ابن عباس برای منصرف ساختن امام علیه السلام و مصلحت اندیشی او مبنی بر اینکه «تو نیز همانند سایر مردم با یزید سازش کنی»، با پاسخ قاطع و محکم آن حضرت مواجه شد که فرمود؛ «ای اباعبدالرحمن! آیا من با یزید بیعت کنم و با وی از در سازش درآیم با آن که پیامبر صلی الله علیه و آله درباره وی و پدرش آن سخنان را فرمود؟!».

هم چنین ابن عباس در ادامه عرض کرد: «ای اباعبدالله! از تصمیمی که گرفته ای، دست بردار و از همین جا به مدینه بازگرد و با این گروه از در سازش درآی و از زادگاه و حرم جدت رسول خدا دور مشو! امام حسین علیه السلام فرمود: «أف لهذا الکلام ..؛ برای همیشه تا آنگاه که آسمان و زمین پابرجاست، نفرین بر این سخن باد!».

این گفتگوها به خوبی نشان می دهد که امام علیه السلام برخلاف پندار کج اندیشان از همان آغاز تصمیم نهایی خود را گرفته بود، و تسلیم در برابر یزید و حکومت خودکامه بنی امیه را که بر محو آثار اسلام می کوشیدند، خطری عظیم برای اسلام می دانست. آری تصمیم گرفته بود تا پای جان بایستد و تسلیم نشود که این امر عزتمندانه محقق گردید.

ملاقات امام حسین علیه السلام و عمر بن سعد؛ گفت و گویی از جنس پند، نصیحت، موعظه و اتمام حجت

امام حسین علیه السلام قاصدی نزد عمر بن سعد روانه ساخت که می خواهم شب هنگام در فاصله دو سپاه با هم ملاقاتی داشته باشیم.

ابتدا امام علیه السلام آغاز سخن کرد و فرمود: «ویلک یابن سعد...؛ وای بر تو، ای پسر سعد، آیا از خدایی که بازگشت تو به سوی اوست، هراس نداری؟ ابن سعد گفت: اگر از این گروه جدا شوم می ترسم خانه ام را ویران کنند. امام علیه السلام فرمود: «أنا أبنیها لک؛ من آن را برای تو می سازم..».

امام فرمود؛ تو را چه می شود! خداوند به زودی در بسترت جانست را بگیرد و تو را در روز رستاخیز نیامرزد. به خدا سوگند! من امیدوارم که از گندم عراق، جز مقدار ناچیزی، نخوری».

بی تردید امام علیه السلام در هر گام این گفتگو و ملاقات به اتمام حجت می پردازد تا هیچ کس فردا، ادعای بی اطلاعی نکند. لیکن پس از تسلیم ناپذیری امام حسین علیه السلام، عمر بن سعد برای گرفتن بیعت اجباری و یا کشتن امام و یارانش در عصر تاسوعا فرمان حمله را صادر کرد.

سخن آخر

در خاتمه باید گفت امام حسن علیه السلام به خاطر مصالح اسلام و مسلمین صلح کرد. و امام حسین علیه السلام به خاطر مصالح اسلام و مسلمین جنگید، و شهید شد. آری امام حسین علیه السلام قیام می کند. امام حسن علیه السلام صلح می کند و ده ها نمونه از این قبیل، حاکی از تأثیر شرایط زمان و مکان در سیره عملی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام است. بدیهی است هر کدام از معصومان اگر در شرایط دیگری قرار می گرفتند همان اقدام را انجام می دادند، پس تغییر سیره، به معنای تغییر ارزشها یا احکام یا اصول نیست.

به قول یکی از دانشمندان، اگر امام حسن علیه السلام در زمان یزید بود قیام می کرد و اگر امام حسین علیه السلام در زمان معاویه بود صلح می کرد.

لیکن در عصر حاضر بر ما فرض است با یزیدیان زمان خود به پیکار برخیزیم و اسلامی را که آن حضرت برای حفظ آن، خون خود و خون عزیزان و یارانش را فدا کرد زنده نگه داریم و در وجود خود پیاده کنیم، حریمش را پاس داریم و در برابر دشمنانی که در هر عصر و زمانی وجود دارند بایستیم و دفاع کنیم تا مشمول شفاعت آن بزرگوار شویم.

چکیده: اهمیت تاریخ زندگی امام حسین (علیه السلام) که به صورت یکی از شورانگیزترین حماسه های تاریخ بشریت درآمده، نه تنها از این نظر است که همه ساله نیرومندترین امواج احساسات میلیون ها انسان را در اطراف خود بر می انگیزد و مراسمی پرشورتر از هر مراسم دیگر به وجود می آورد، بلکه اهمیت آن بیشتر از این جهت است که: هیچ گونه «محرّکی» جز عواطف پاک دینی و انسانی و مردمی ندارد و این تظاهرات پر شکوه که به خاطر بزرگداشت این حادثه تاریخی انجام می گیرد، نیازمند هیچ مقدمه چینی و فعالیت های تبلیغاتی نیست و از این جهت در نوع خود بی نظیر است.

چرا حسین (علیه السلام) فراموش نمی شود؟

اهمیت تاریخ زندگی امام حسین (علیه السلام) که به صورت یکی از شورانگیزترین حماسه های تاریخ بشریت درآمده، نه تنها از این نظر است که همه ساله نیرومندترین امواج احساسات میلیون ها انسان را در اطراف خود بر می انگیزد و مراسمی پرشورتر از هر مراسم دیگر به وجود می آورد، بلکه اهمیت آن بیشتر از این جهت است که: هیچ گونه «محرّکی» جز عواطف پاک دینی و انسانی و مردمی ندارد و این تظاهرات پر شکوه که به خاطر بزرگداشت این حادثه تاریخی انجام می گیرد، نیازمند هیچ مقدمه چینی و فعالیت های تبلیغاتی نیست و از این جهت در نوع خود بی نظیر است.

اغلب ما این حقیقت را می دانیم، ولی نکته ای که برای بسیاری (به خصوص متفکران غیر اسلامی) هنوز به درستی

روشن نشده و همچنان به صورت معمای در نظر آنها باقی مانده این است که:

چرا این قدر به این حادثه تاریخی که از نظر «کمّیت و کیفیت» مشابه فراوان دارد، اهمیت داده می شود؟ چرا مراسم بزرگداشت این خاطره هر سال پرشکوه تر و پرهیجان تر از سال پیش، برگزار می گردد؟

چرا امروز که از «حزب اموی» و دار و دسته آنها اثری نیست و قهرمانان این حادثه می بایست فراموش شده باشند، حادثه کربلا رنگ ابدیت به خود گرفته است؟!

پاسخ این سؤال را باید در لابه لای انگیزه های اصلی این انقلاب جستجو کرد، ما تصوّر می کنیم تجزیه و تحلیل این مسأله برای کسانی که از تاریخ اسلام آگاهی دارند چندان پیچیده و مشکل نیست.

به عبارت روشن تر حادثه خونین کربلا نموداری از جنگ دو رقیب سیاسی بر سر بدست آوردن کرسی زمامداری یا املاک و سرزمین ها صورت نگرفته.

همچنین این حادثه از انفجار کینه های دو طایفه متخاصم که بر سر امتیازات قبیله ای در می گیرد، سرچشمه نگرفته است.

این حادثه در واقع صحنه روشنی از مبارزه دو مکتب فردی و عقیده ای است که آتش فروزان آن، در طول تاریخ پر ماجرای بشریت، از دورترین زمانها تا امروز، هرگز خاموش نشده است، این مبارزه ادامه مبارزه تمام پیامبران و مردان اصلاح طلب جهان و به تعبیر دیگر ادامه جنگ های «بدر و احزاب» بود.

همه می دانیم هنگامی که پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) به عنوان رهبر یک انقلاب فکری و اجتماعی، برای نجات بشریت از انواع بت پرستی و خرافات و آزادی انسان ها از چنگال

جهل و بیدادگری قیام کرد و قشرهای ستمدیده و حق طلبی را که مهمترین عناصر تحوّل بودند، به گرد خود جمع نمود، در این موقع مخالفان این نهضت اصلاحی که در رأس آنها ثروتمندان بت پرست و رباخوار مکه بودند، صفوف خود را فشرده ساخته، برای خاموش کردن این ندا، تمام نیروهای خود را به کار گرفتند و ابتکار این تلاش های ضدّ اسلامی در دست «حزب اموی» و سرپرست آنها ابوسفیان بود.

ولی در پایان کار، در برابر عظمت و نفوذ خیره کننده اسلام به زانو درآمده، سازمانشان به کلی از هم پاشید.

بدیهی است این از هم پاشیدن به معنای ریشه کن شدن و نابودی آنها نبود، بلکه نقطه عطفی در زندگی آنها محسوب می شد، یعنی فعالیت های ضدّ اسلامی صریح و آشکار خود را به فعالیت های پشت پرده و تدریجی - که برنامه هر دشمن لجوج، ضعیف و شکست خورده ای است - تبدیل نموده و در انتظار فرصت بودند.

بنی امیه پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه وآله) برای ایجاد یک جنبش ارتجاعی و سوق مردم به دوران قبل از اسلام، کوشیدند که در دستگاه رهبری اسلامی نفوذ پیدا کنند و هر قدر مسلمانان از زمان پیامبر (صلی الله علیه وآله) دورتر می افتادند، زمینه را مساعدتر می دیدند.

به خصوص پاره ای از «سنت های جاهلیت» که به دست غیر بنی امیه بر اثر علل گوناگونی احیا گردید، زمینه را برای یک «قیام جاهلی» آماده ساخت.

از جمله این که:

۱- مسأله نژاد پرستی که اسلام خطّ قرمز روی آن کشیده بود دوباره به دست بعضی از خلفا زنده شد و نژاد «عرب» برتری خاصی بر «موالی» (غیر عرب) یافتند.

۲- تبعیض های گوناگون که با روح اسلام به هیچ وجه سازگار نبود، آشکار گشت و «بیت المال» که در زمان پیامبر (صلی الله علیه وآله) به طور مساوی در میان مسلمانان تقسیم می شد، به صورت دیگری در آمد و امتیازات بی موردی به عده ای داده شد و امتیازات طبقاتی بار دیگر احیا گردید.

۳- پست ها و مقامات که در زمان پیامبر (صلی الله علیه وآله) بر اساس لیاقت و ارزش علمی، اخلاقی و معنوی به افراد داده می شد، به صورت قوم و خویش بازی درآمد و در میان اقوام و بستگان بعضی از خلفا تقسیم شد.

مقارن همین اوضاع و احوال، فرزند ابوسفیان، «معاویه» به دستگاه حکومت اسلامی راه یافت و به زمامداری یکی از حسّاس ترین مناطق اسلام (شام) رسید و از این جا با دستگیری باقیمانده احزاب جاهلیت، زمینه را برای قبضه کردن حکومت اسلام و احیای همه سنت های جاهلیت هموار ساخت.

این موج به قدری شدید بود که پاک مردی مانند علی (علیه السلام) را در تمام دوران خلافت نیز به خود مشغول ساخت.

قیافه این جنبش ضدّ اسلامی به قدری آشکار بود که رهبری کنندگان آن نیز نمی توانستند آن را مکتوم دارند.

اگر ابوسفیان در آن جمله عجیب تاریخی خود هنگام انتقال خلافت به بنی امیه و بنی مروان با وقاحت تمام می گوید:

«هان ای بنی امیه! بکوشید و گوی زمامداری را از میدان بریابید (و به یکدیگر پاس دهید)؛ سوگند به آنچه من به آن سوگند یاد می کنم بهشت و دوزخی در کار نیست! (و قیام محمد یک جنبش سیاسی بوده است)».

و یا اگر «معاویه» هنگام تسلّط بر عراق در خطبه خود در کوفه می گوید:

«من برای این نیامده ام که شما نماز

بخوانید و روزه بگیرید، من آمده ام بر شما حکومت کنم؛ هر کس با من مخالفت ورزد او را نابود خواهم کرد!».

و اگر یزید هنگام مشاهده سرهای آزاد مردانی که در کربلا شربت شهادت نوشیدند، می گوید:

«ای کاش نیاکان من که در میدان بدر کشته شدند، در این جا بودند و منظره انتقام گرفتن مرا از بنی هاشم مشاهده می کردند...!».

همه اینها شواهد گویایی بر ماهیت این جنبش «ارتجاعی و ضدّ اسلامی» بود و هر قدر پیش تر می رفت، بی پرده تر و حادثر می شد.

آیا امام حسین (علیه السلام) در برابر این خطر بزرگ که اسلام عزیز را تهدید می کرد و در زمان «یزید» به اوج خود رسیده بود، می توانست سکوت کند و خاموش بنشیند؟ آیا خدا و پیامبر و دامن های پاکی که او را پرورش داده بودند، می پسندیدند؟

آیا او نباید با یک فداکاری فوق العاده و از خودگذشتگی مطلق، سکوت مرگباری را که بر جامعه اسلامی سایه افکنده بود، درهم شکسته و قیافه شوم این نهضت جاهلی را از پشت پرده های تبلیغاتی «بنی امیه» آشکار ساخته و با خون پاک خود، سطور درخشانی بر پیشانی تاریخ اسلام بنویسد که برای آینده، حماسه ای جاوید و پرشور باشد؟

آری حسین (علیه السلام) این کار را کرد و رسالت بزرگ و تاریخی خود را در برابر اسلام انجام داد و مسیر تاریخ اسلام را عوض نمود. او توطئه های ضدّ اسلامی حزب اموی را در هم کوبید و آخرین تلاش های ظالمانه آنها را خنثی کرد.

این است چهره حقیقی قیام حسین (علیه السلام) و از این جا روشن می شود که چرا نام و تاریخ امام حسین (علیه السلام) هرگز فراموش نمی شود. او متعلّق به یک عصر و یک قرن و یک زمان نبوده، بلکه

او و هدفش جاودانی است. او در راه حق و عدالت و آزادی، در راه خدا و اسلام، در راه نجات انسان ها و احیای ارزش های مردمی، شربت شهادت نوشید؛ آیا این مفاهیم هیچ گاه کهنه و فراموش می گردد؟ نه... هرگز...!

راستی چه کسی پیروز شد؟

آیا در این مبارزه عظیم پیروزی با بنی امیه و سربازان خونخوار و دنیاپرستان بود؟ یا از آن امام حسین (علیه السلام) و یاران جانباز او که در راه عشق به حق و فضیلت و برای خدا همه چیز خود را فدا کردند؟!

توجه به مفهوم واقعی «پیروزی» و «شکست» به این سؤال پاسخ می گوید: پیروزی آن نیست که انسان، از میدان نبرد سالم به در آید، یا دشمن خود را به خاک هلاکت افکند، بلکه پیروزی آن است که انسان «هدف» خود را پیش برد و دشمن را از رسیدن به مقصود خود باز دارد.

با توجه به این معنا، نتیجه نهایی این نبرد خونین به طور کامل روشن می شود. درست است که حسین (علیه السلام) و یاران وفادارش پس از یک نبرد قهرمانانه، شربت شهادت نوشیدند، اما آنها هدف مقدّس خود را، به تمام معنا، از آن شهادت افتخارآمیز گرفتند.

هدف این بود که ماهیت نهضت ارتجاعی و ضدّ اسلامی «اموی» آشکار گردیده و افکار عمومی مسلمانان بیدار شود تا از توطئه های این بازماندگان دوران جاهلیت و رسوبات دوران کفر و بت پرستی آگاه گردند که این هدف به خوبی انجام شد.

آنها سرانجام ریشه های درخت ظلم و بیدادگری «بنی امیه» را قطع کردند و با فراهم ساختن مقدمات انقراض آن حکومت غاصب که افتخارش زنده کردن رسوم جاهلی و فساد و تبعیض و ستمگری بود، سایه شوم و ننگین آن را

از سر مسلمانان کوتاه ساختند.

حکومت «بیزید» با کشتن مردان با فضیلت خاندان پیامبر(صلی الله علیه وآله) به خصوص امام حسین(علیه السلام) پیشوای بزرگ اسلام و جگرگوشه پیامبر(صلی الله علیه وآله) قیافه واقعی خود را به همه نشان داد، و کوس رسوایی این مدعیان جانشینی پیامبر(صلی الله علیه وآله) را در همه جا زدند.

و عجیب نیست که در تمام انقلاب ها و تحوّل هایی که بعد از حادثه کربلا روی داد، شعار «خونخواهی این شهیدان» و یا «الرضا لآل محمد» را می بینیم که تا زمان بنی عباس که خود با بهره برداری از این مسأله به حکومت رسیدند و سپس راه ستمگری را پیش گرفتند، ادامه یافت. چه پیروزی از این بالاتر که آنها نه فقط به هدف مقدّس خود نائل گشتند، بلکه سرمشقی برای همه مردم آزاده جهان گردیدند.

چراسوگواری می کنیم؟!

می گویند اگر امام حسین(علیه السلام) پیروز شد، پس چرا جشن نمی گیریم؟ چرا گریه می کنیم؟

آیا این همه گریه در برابر آن پیروزی بزرگ شایسته است؟

آنها که این ایراد را مطرح می کنند، «فلسفه عزاداری» را نمی دانند و آن را با گریه های ذلیلانه اشتباه می کنند.

«گریه» و جریان قطره های اشک از «چشم» که دریچه قلب آدمی است، چهارگونه است:

۱- گریه های شوق

گریه مادری که از دیدن فرزند دل‌بند گمشده خویش، پس از چندین سال، سر داده می شود، و یا گریه شادی آفرین و رضایت بار عاشق پاکبازی که پس از یک عمر محرومیت معشوق خود را می یابد گریه شوق است.

قسمت زیادی از حماسه های کربلا شوق

آفرین و شورانگیز است و به دنبال آن سیلاب اشک شوق به خاطر آن همه رشادت ها، فداکاری ها، شجاعت ها، آزادمردی ها و سخنرانی های آتشین مردان و زنان به ظاهر اسیر، از دیدگان شنونده سرازیر می گردد. آیا این گریه دلیل بر شکست است؟

۲- گریه های عاطفی

آنچه در درون سینه انسان جای دارد «قلب» است نه «سنگ»! و این قلب که ترسیم کننده امواج عواطف انسانی است، به هنگام مشاهده منظره کودک یتیمی که در آغوش مادر در یک شب سرد زمستانی، از فراق پدر، جان می دهد به لرزه در می آید و با سرازیر کردن سیلاب اشک، خطوط این امواج را در صفحه صورت ترسیم کرده و نشان می دهد که قلبی زنده و سرشار از عواطف مردمی است.

آیا اگر با شنیدن حادثه جان سپردن یک طفل شیرخوار در آغوش پدر و دست و پا زدن در میان سیلاب خون، در حادثه کربلا، قلبی بطپد و شراره های آتشین خود را به صورت قطره های اشک به خارج پرتاب کند، نشانه ضعف و ناتوانی است یا دلیل بر بیداری آن قلب پر احساس؟!

۳- گریه پیوند هدف

گاهی قطره های اشک پیام آور هدفهاست. آنها که می خواهند بگویند با مرام امام حسین(علیه السلام) همراه و با هدف او هماهنگ و پیرو مکتب او هستند؛ ممکن است این کار را با دادن شعارهای آتشین و یا با سرودن اشعار و حماسه ها ابراز دارند؛ اما گاهی ممکن است آنها ساختگی باشد؛ ولی کسی که با شنیدن این حادثه جانسوز قطره اشکی از درون دل، بیرون می فرستد، صادقانه تر این حقیقت را بیان می کند. این قطره اشک، اعلان وفاداری به اهداف مقدّس یاران امام حسین(علیه السلام) و پیوند دل و جان با آنها و اعلان جنگ با بت

پرستی، ظلم و ستم و اعلان بیزاری از آلودگیهاست. آیا این نوع گریه - بدون آشنایی به اهداف پاک او - ممکن است؟

۴- گریه ذلت و شکست

گریه افراد ضعیف و ناتوانی است که از رسیدن به اهداف خود وامانده اند و روح و شهامتی برای پیشرفت در خود نمی بینند؛ می نشینند و عاجزانه گریه سر می دهند.

هرگز برای امام حسین(علیه السلام) چنین گریه ای مکن که او از این گریه بیزار و متنفر است. اگر گریه می کنی، گریه شوق، عاطفه، و پیوند هدف باشد.

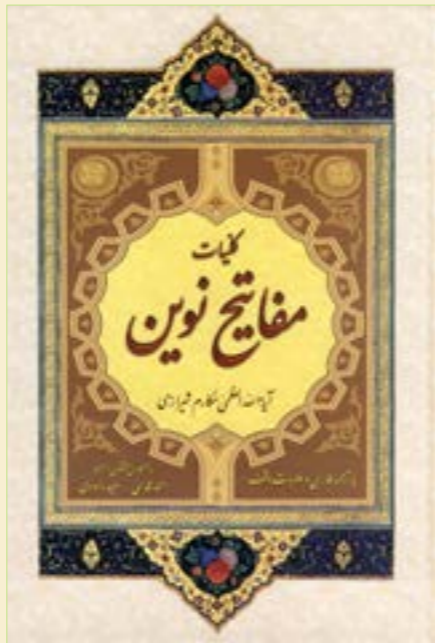
ولی مهم تر از سوگواری، آشنایی به مکتب امام حسین(علیه السلام) و یاران او و پیوستگی عملی به اهداف آن بزرگوار و پاک بودن و پاک زیستن و درست اندیشیدن و عمل کردن است.

اهمّیت تاریخ زندگی امام حسین(علیه السلام) که به صورت یکی از شورانگیزترین حماسه های تاریخ بشریت درآمد، نه تنها از این نظر است که همه ساله نیرومندترین امواج احساسات میلیون ها انسان را در اطراف خود بر می انگیزد و مراسمی پرشورتر از هر مراسم دیگر به وجود می آورد، بلکه اهمّیت آن بیشتر از این جهت است که : هیچ گونه «محرّکی» جز عواطف پاک دینی و انسانی و مردمی ندارد و این تظاهرات پر شکوه که به خاطر بزرگداشت این حادثه تاریخی انجام می گیرد، نیازمند هیچ مقدّمه چینی و فعالیت های تبلیغاتی نیست و از این جهت در نوع خود بی نظیر است.

سیری در کتاب

«کلیات مفاتیح نوین»

اثر ارزشمند حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله)



کتاب «کلیات مفاتیح نوین» اثر ارزشمند حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی و یکی از کتاب های موثّق و معتبر دینی مذهبی است که با هدف و انگیزه، مستندسازی، اتقان و تکمیل کتاب شریف «مفاتیح الجنان» مرحوم محدّث قمی، به نوعی ساختار جدید از این کتاب عظیم ارائه می دهد، لذا مجموعه ای از ادعیه و اذکار معتبر مورد نیاز مؤمنان به زبان روز ترجمه و همراه با ذکر منابع با سبک نوین تنظیم گردیده و به عنوان اثری فاخر، مفید و سازنده به عموم سالکان الی الله به ویژه جوانان ارائه شده است.

بنابراین تألیف کتاب «مفاتیح نوین»، به نوبه خود کار مهم و نوینی است برای نوسازی مفاتیح الجنان، که با امتیازات متعدّد، در مقام احیای آن برآمده است، بدین نحو که در این اثر فاخر، ادعیه و مناجات به نحو بسیار جامع و عالی گردآوری شده است.

لذا این اثر در واقع بازنویسی مفاتیح الجنان است لیکن از جهات مختلف نسبت به آن برتری دارد زیرا مفاتیح نوین از نظر اعتبار و سندیت کم نظیر است.

علت تألیف کتاب مفاتیح نوین از زبان معظم له

نویسنده گرانقدر این اثر در مقدمه کتاب مفاتیح نوین و در تبیین علل نگارش آن می نویسد؛ در طول تاریخ شیعه جمعی از بزرگان به گردآوری دعاها و زیاراتی که از جانب پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه هدی (علیه السلام) صادر شده پرداخته اند تا همه عاشقان راز و نیاز با خدا و شیفتگان زیارت اولیاء الله را از این چشمه جوشان معنویت، سیراب سازند که از میان آنها می توان به مرحوم کلینی، ابن قولویه، شیخ صدوق، شیخ طوسی، سید ابن طاووس، ابن فهد حلی، کفعمی، شیخ بهائی و علامه مجلسی اشاره کرد، [۱] لذا هر یک از این بزرگان در عصر خود رسالت خویش را در زمینه دعا به نحو احسن انجام دادند تا این که نوبت به مرحوم ثقةالمحدثین حاج شیخ عباس قمی - رضوان الله تعالی علیه- (متوفای ۱۳۵۹ ق) رسید؛ ایشان با ذوق سرشار و سلیقه بسیار خوب و احاطه وسیعی که بر آثار اهل بیت علیهم السلام و کتب دعا و زیارات سابقین داشت، به تألیف کتاب جامع «مفاتیح الجنان» پرداخت و روی خلوص نیتی که این محدث عالیقدر از آن برخوردار بود، در مدت کوتاهی، کتابش جهانگیر شد. [۲]

ولی از آن جا که این کتاب مانند بسیاری از کتاب ها برای شرایط زمانی و مکانی خاصی نوشته شده بود و مخاطبان ویژه ای داشت، لازم بود در عصر و زمان حاضر مورد تجدید نظر وسیع قرار گیرد؛

کاستی ها برطرف گردد، و از پاره ای از مطالب اضافی که مایه ایراد بدخواهان است صرف نظر شود؛ مدارک و منابع دعاها و زیارات و ... افزوده گردد؛ رمز و راز، فلسفه، آثار و برکات دعاها و زیارات

یادآوری شود؛ سپس نظم نوینی به آن داده شود و در مجموع کتاب دعا و زیارتی که از هرنظر جامع و متناسب عصر و زمان حاضر مخصوصاً برای نسل جوان خداجو باشد، فراهم گردد. [۳]

از این رو انگیزه مؤلف فرهیخته این کتاب رعایت تناسب با زمان حاضر و حذف برخی از مطالبی است که مایه ایراد و اشکال قرار گرفته اند، از این رو اهتمام حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی در کتاب «مفاتیح نوین» بر زدودن و پالایش قسمت های فاقد سندیت و نیز تلاش برای ذکر احادیث و منابع و مآخذ استفاده شده در مفاتیح الجنان استوار شده است.

لازم به ذکر است این کتاب یک اثر جامع شامل ادعیه و مناجات در ۱۰ فصل و ۱۲۰۸ صفحه است که با زبان و ادبیات روز تنظیم شده و برای همه اقشار قابل استفاده است.

کتاب مفاتیح نوین شامل ده فصل و به شرح ذیل است :

پیشگفتار: مقدمه ای درباره دعا و جایگاه آن و استجابات و عدم استجابات دعا.

بخش اول : سوره هایی از قرآن کریم.

بخش دوم : مناجات ها و دعاهای معروف؛ مثل مناجات خمس عشر (مناجات پانزده گانه امام سجاد علیه السلام)، مناجات منظوم امیرالمؤمنین علیه السلام، دعاهای قرآنی، دعای کمیل، جوشن کبیر، جوشن صغیر، دعای توسل، دعای مکارم الاخلاق.

بخش سوم : زیارات؛ که در دوازده فصل تنظیم شده است.

بخش چهارم : اعمال ماه های اسلامی از محرم تا ذی الحجه؛ در این بخش اعمال ماه های خورشیدی مثل نوروز و رومی مثل نیسان نیز در فصلی خاص ذکر شده اند.

بخش پنجم : اعمال شب و روز و ایام هفته؛ در ده فصل که یک فصل آن زیارت

اومه در ایام هفته است.

بخش ششم: آداب، مقدمات و تعقیبات نماز.

بخش هفتم: نمازهای مستحب؛ این بخش از دو فصل تشکیل می شود. یک فصل نمازهای چهارده معصوم علیه السلام و دیگری نمازهای معروف دیگر، مثل نماز جعفر طیار، نماز لیلۃ الدفن، نماز اول ماه.

بخش هشتم: دعا برای حل مشکلات مادی و معنوی و آداب عقیقه.

بخش نهم: استخاره و آداب آن.

بخش دهم: احکام و آداب مربوط به مردگان.

روش شناسی تألیف کتاب «مفاتیح نوین» (ویژگی ها و مزایا)

بدیهی است روش شناسی نگارش کتاب ارزشمند «مفاتیح نوین» منبعث از کتب معتبری همچون «مصباح‌المتهدج» شیخ طوسی (ره)، «کامل الزیارات» ابن قولویه و کتابهای مرحوم سید بن طاووس و مرحوم کفعمی است. کتب بزرگانی که اهتمام فراوانی داشتند تا بدون مدرک چیزی را نقل نکنند و اگر دعا یا زیارتی از انشای نفس ربانی و [۴]ملکوتی خودشان است به آن تصریح نمایند. [۵]

اما در مجموع ویژگی ها و امتیازات این اثر فاخر عبارتند از:

نگارش با زبان و ادبیات روز

این کتاب به قلم روز نگاشته شده و برای همگان بویژه نسل جوان، به سهولت قابل درک است.

افزودن مقدمه بر هر بخش از دعاها و زیارات

هر قسمت از این اثر فاخر مشتمل بر مقدمات و روایات روح پرور است بدین نحو که برای هر بخش از دعاها و زیارات، مقدمات پر معنا و فشرده ای نوشته شده و شرح آداب و مقدمات و اسرار زیارات و دعاها مورد اهتمام مولف گرانقدر این

اثر قرار گرفته است که به تحصیل آثار معنوی و حالات عرفانی دعا کمک می کند.

ذکر منابع و مدارک دعاها و زیارتها در پاورقی

نقل تمام ادعیه، زیارات و اذکار از منابع معتبر با ذکر مدرک از جمله ویژگی های این اثر به شمار می رود لذا منابع و مدارک دعاها و زیارات با دقت تمام در پاورقی آمده است و در همه جا بر منابع قابل قبول تکیه شده است.

پرهیز از روایات و مطالب ضعیف

در این اثر ارزشمند، مطالب ضعیف یا اموری که بهانه به دست ناآگاهان می دهد کنار گذاشته شده است.

نظم جدید مطالب

کتاب در ده فصل با نظم خاص تقسیم بندی و دسته بندی شده است، لذا نظم و ترتیب منطقی روشن، به مطالب کتاب داده شده تا پیدا کردن دعاها و زیارات آسان تر باشد.

ترجمه فارسی روان

در کتاب مفاتیح نوین سعی و تلاش مولف این اثر به ارائه ترجمه خوب و روان برای دعاها منحصر شده است.

حذف برخی اعمال مشابه و گزینش بهترین

با توجه به اینکه وقت مردم در عصر کنونی فشرده و محدود است در مواردی اعمالی مشابه یکدیگر بوده، از میان آن ها بهترین ها گزینش شده است.

توجه به محتوای ادعیه و زیارات و عدم اکتفا به سند در انتخاب آن ها

از آن جا که یکی از نشانه های اعتبار سند روایات، محتوای روایت است، لذا در گزینش دعاها و زیارات علاوه بر دقت در اسناد، به محتوای آن نیز توجه شده است.

بهره گیری از نسخه متداول و مشهور
گفتنی است در آن جایی از دعاها و زیارات معروف، که نسخه ها متعدد بوده، تنها به نسخه متداول اکتفا شده است تا مایه سردرگمی نشود، مگر آن که اختلاف نسخه، مهم و قابل توجه باشد بلکه در دیگر موارد، دقیقاً مطابق منبع و مصدر نقل شده، آمده است.

بهره گیری از شیوه تلخیصی در برخی روایات با رویکرد حفظ امانت و اصالت در عبارات و محتوا

در برخی موارد، برای پرهیز از حجیم شدن کتاب، روایاتی که در فضیلت دعا و زیارت و غیر آن نقل شده، تلخیص و نقل به معنا گردیده و با ترجمه ای روان و احیاناً کمی آزاد، بیان شده است، بی آن که لطمه ای به محتوای آن وارد گردد.

در خاتمه باید گفت تألیف این اثر بی نظیر توسط حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی و با همکاری دو تن از فضایی محترم حجج اسلام والمسلمین احمد قدسی و سعید داودی، در ۱۲۰۸ صفحه و در قطع وزیری توسط انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام به زیور طبع آراسته شده و در سال ۱۳۹۰ برای اولین بار منتشر و تا کنون چندین مرتبه تجدید چاپ شده است.

پی نوشت

- [۱] کلیات مفاتیح نوین؛ ص ۱۵.
- [۲] همان، ص: ۱۶.
- [۳] همان.
- [۴] همان؛ ص: ۱۷.
- [۵] همان؛ ص: ۲۶.

زائر سرای امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) مشهد مقدس تحت اشراف دفتر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مد ظله)

بخشی از تاریخچه زائر سرا

در سال ۱۳۷۴ هجری شمسی به امر مبارک حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی مدظله در زمینی به متراژ ۷۰۰ متر در نزدیکی حرم مطهر ثامن الحجج علیه آلاف التحیه و الثناء در شش طبقه مرکب از حسینیه، کتابخانه و واحدهای متعدد برای سکونت زوار مرقد شریف رضوی بنا گردید و به نام مبارک مجتمع فرهنگی امام صادق علیه السلام نامگذاری شد، سپس در مجاورت این مجتمع در سال ۱۳۸۳ زائرسرای امام باقر علیه السلام با متراژ ۱۵۰۰ متر به این مجتمع اضافه گردید تا پذیرای زائران بیشتری از آن حضرت باشد.

این مجموعه دارای ۸۰ سوئیت کامل با تمامی وسایل و امکانات رفاهی و یک کتابخانه با ظرفیت ۱۰ هزار جلد کتاب و حسینیه برای برپائی نمازهای جماعت و مراسمات مذهبی می باشد. امید آنکه همه زائران محترم تمام کسانی را که در این بنا سهیم بوده اند را به دعای خیر یاد کنند.

بخشی از شرایط و مقررات استفاده از زائرسرا

- پذیرش فقط به صورت خانوادگی انجام می شود که همه می بایست از محارم باشند

- از پذیرش به صورت مجردی (فقط مرد یا زن) و یا بصورت انفرادی معذوریم.

- از پذیرش به صورت گروهی و اردوئی (بیشتر از دو سوئیت همزمان) معذوریم.

- حداکثر پذیرش ۵ نفر (سرپرست + ۴ نفر همراه) می باشد.

- افراد بالای یک سال، یک نفر محسوب می شوند و می بایست نام آنها جزء همراهان ثبت شود.

- فقط نام کسانی که در سیستم ثبت شده و توسط دفتر زائرسرا به تایید رسیده باشد پذیرش خواهند شد، در غیر این صورت به هیچ وجه در زائرسرا پذیرش نخواهند شد.

- در صورت مغایرت اطلاعات سرپرست و همراهان با کارت شناسایی آنها، درخواست

باطل و واگذار خواهد شد.

- دقت فرمایید نام و نام خانوادگی سرپرست و تمامی همراهان می بایست به صورت کامل همراه با پسوند و پیشوند ثبت شده در شناسنامه نوشته شود. (برای مثال سید علی حسینی با پیشوند سید و یا محمد کاظمی فردوئی با پسوند فردوئی).

- حداکثر مدت اقامت ۷ روز و ۶ شب و حداقل مدت اقامت ۳ روز و ۲ شب می باشد.

- مدت اقامت در ماه مبارک رمضان ۱۱ روز و ۱۰ شب می باشد.

- مدت اقامت در ایام شلوغ سال (مثل سه ماه تابستان و تعطیلات نوروز) حداکثر ۵ روز و ۴ شب می باشد.

- ثبت نام نوروز و سه ماه تابستان فقط مخصوص طلاب می باشد

- هر شخص (به عنوان سرپرست یا همراه) فقط یک بار در سال می تواند از زائرسرا استفاده کند.

- برای مثال اگر فردی در یکی از برج های سال ۹۴ استفاده کرده باشد، استفاده بعدی وی باید در سال ۹۵ باشد.

- رزرو هر برج ابتدا به صورت قرعه کشی انجام می گردد که پس انجام قرعه کشی در برج مربوطه، کاربرانی که نام آنها در قرعه کشی پذیرفته نشود و یا موفق به ثبت نام در قرعه کشی نشوند می توانند از قسمت رزرو واحد خالی در صورت وجود جای خالی یا انصرافی جهت رزرو اقدام نمایند.

ثبت نام در قرعه کشی:

جهت ثبت نام هر برج می بایست دو برج قبل از آن (از روز اول تا دهم برج) به سایت

<http://zaer.makarem.ir>

مراجعه و درخواست خود را ثبت کنید. بعد از مهلت ثبت نام و بررسی صحت اطلاعات ثبت شده، نتایج قرعه کشی در روز تعیین شده اعلام و پذیرفته شدگان با مراجعه به دفتر زائرسرا در مهلت تعیین شده همراه با مدارک تمامی افراد جهت قطعی کردن رزرو اقدام خواهند کرد.



معارف اسلامی

یاران مخلص در قیام امام حسین (علیه السلام)

پرسش: آیا یاران امام حسین (علیه السلام) از عاقبت قیام عاشورا و شهادتشان آگاه بودند؟

پاسخ اجمالی: یاران امام حسین (علیه السلام) از شهادتشان مطلع بودند زیرا چندین و چند بار و در منزلگاه های مختلف، حضرت سیدالشهداء علیه السلام به منظور آگاه سازی و مشخص شدن یاران مخلص از منافقینی که به خاطر مقاصد دنیوی همراه ایشان شده بودند خطرات این راه را بیان کرده و همواره می فرمود هر کس خود را برای تیزی نیزه ها و زخم شمشیرها و نثار خونش آماده ساخته با ما همراه شود. امام حتی بعد از رسیدن خبر بیعت شکنی کوفیان، بیعت خود را از همراهان خود برداشت و تا این که در این آزمون سخت، فقط انسان های مخلص ماندند.

پاسخ تفصیلی: امام حسین (علیه السلام) در پی داشتن یاران مخلص اقداماتی را انجام دادند از جمله:

فرمودند عاقبت این حرکت مرگ است تا دنیاپرستان و منصب دوستان با ایشان همراه نشوند:

مثلا هنگامی که امام (علیه السلام) تصمیم گرفت (از مکه) رهسپار عراق شود، برخاست و خطبه ای به این مضمون ایراد فرمود:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ، وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَي رَسُولِهِ، حُطَّ الْمَوْتُ عَلَي وُلْدِ آدَمَ مَخَطَّ الْقَلَادَةَ عَلَي جِيدِ الْفَتَاهِ، وَ مَا أَوْلَهُنِي إِلَي أَسْلَافِي إِشْتِيَاقُ يَعْقُوبَ إِلَي يُونُسَ، وَ خَيْرَ لِي مَضْرَعُ أَنَا لِأَقِيهِ، كَأَنِّي بِأَوْصَالِي تَقَطَّعُهَا عَسَلَانُ الْفَلَاوَاتِ بَيْنَ النَّوَاوِيسِ وَ كَرْبَلَاءَ فَيَمْلَأَنَّ مِنِّي أَكْرَاشًا جَوْفًا وَ أَجْرِبُهُ سَعْبًا، لَا مَحِيصَ عَن يَوْمٍ حُطَّ

بِالْقَلَمِ، رَضِيَ اللَّهُ رِضَانَا أَهْلَ النَّبِيِّتِ، نَصَبِرُ عَلَي بَلَايِهِ وَ يُؤَفِّقُنَا أَجْرَ الصَّابِرِينَ. لَنْ تَشُدَّ عَن رَسُولِ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) لِحَمَّتُهُ، وَ هِيَ مَجْمُوعَةٌ لَهُ فِي حَظِيرَةِ الْقُدْسِ، تَقَرَّرُ بِهِمْ عَيْنُهُ وَ يُنَجِّزُ بِهِمْ وَعْدَهُ. مَنْ كَانَ بِأَذَلَا فِينَا مُهْجَتَهُ، وَ مُوطِنًا عَلَي لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ فَلْيَجِزْ حَلْ مَعَنَا فَإِنِّي رَاحِلٌ مُصْبِحًا إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى»؛ (حمد و سپاس از آن خداست، آنچه او بخواهد [همان شود]، و هیچ توان و قوتی جز به کمک او نیست، و درود خداوند بر فرستاده اش [حضرت محمد(صلی الله علیه وآله)].

[آگاه باشید!] قلاده مرگ بر گردن آدمیزاد، همانند گردنبندی است بر گردن دختران جوان [مرگ همیشه همراه آدمی است]. اشتیاق من به دیدار گذشتگانم [پدر و مادرم و جد و برادرم] همانند اشتیاق یعقوب به دیدار یوسف است! برای من شهادتگاهی برگزیده شده که به یقین به آن خواهم رسید و گویا می بینم گرگان درنده بیابان - بین نوایس و کربلا - بند بند تنم را پاره پاره کرده و گویی از من شکم های تهی و مشک های خالی خود را پر می کنند. از آن روز که [روز عاشورا] قلم تقدیر الهی بر آن رقم خورده است، گریزی نیست! خشنودی خداوند خشنودی ما اهل بیت است. [آنچه را که خداوند بدان خشنود است ما اهل بیت نیز به همان خشنودیم]. ما در برابر بلا و آزمایش الهی شکیباییم و او پاداش عظیم صابران را به ما خواهد داد. هرگز پاره تن رسول خداز وی جدا نمی شود و در حظیره القدس [درجات عالی بهشت] به او ملحق خواهد شد، و چشمان رسول خدا(صلی الله علیه وآله) به ذریه اش روشن می شود و وعده اش توسط آنان وفا خواهد شد. هر کس آماده است خون خود را در راه ما نثار کند و خود را آماده لقای خداوند سازد، با ما رهسپار شود، چرا که من - به خواست خداوند - فردا صبح

حرکت خواهم کرد). (۱)

این خطبه کوتاه، از پر معنی ترین خطبه های امام (علیه السلام) است که نشان می دهد:

اولا - امام (علیه السلام) از آینده این سفر پر خطر - سفر به عراق - به خوبی آگاه بود ولی چون رضای خدارا در آن می دانست به آن اقدام فرمود.

به تعبیر دیگر، آن را یک آزمون بزرگ الهی می دید که در کوتاه مدت و دراز مدت آثار مهمتی برای جهان اسلام در بر خواهد داشت، و سبب رسوایی خطرناکترین دشمنان اسلام و سرنگونی آنان خواهد شد، و درسی پر از عبرت و حماسه و عزت و افتخار برای آیندگان بجا خواهد گذارد.

ثانیا - هیچ کس از همراهان خود را که در این مسیر گام نهاده بودند از آینده آن بی خبر نگذاشت و اغفال نکرد تا فقط پاکبازان عاشق شهادت در راه خدا با او حرکت کنند، همان کسانی که باید نامشان در دفتر روزگار به عنوان بهترین شهیدان راه حق رقم خورد.

همچنین هنگامی که امام (علیه السلام) به منزلگاه «زباله» (۲) رسید، خبرشهادت برادر رضاعی اش - عبدالله بن یقطر(علاوه بر شهادت مسلم و هانی) - را شنید، نوشته ای را بیرون آورد و برای مردم خواند:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ آمَّا بَعْدُ؛ فَقَدْ أَنَا خَبَرَ فُضِيحًا! قَتَلَ مُسْلِمٌ بَنَ عَقِيلٍ وَ هَانِي بَنَ عُرْوَةَ وَ عَبْدَ اللَّهِ بَنَ يَقْطَرَ، وَ قَدْ خَدَلْتُنَا شَيْعَتُنَا، فَمَنْ أَحَبَّ مِنْكُمْ الْإِنْصِرَافَ فَلْيَنْصِرِفْ، لَيْسَ عَلَيْهِ مِنَّا ذِمَامٌ»؛ (به نام خداوند بخشنده مهربان، اما بعد! خبرناگوار شهادت مسلم بن عقیل و هانی بن عروه و عبدالله بن یقطر به ما رسید، شیعیان ما از یاری ما دست کشیدند، پس هر کس از شما بخواهد برگردد می تواند. هیچ بیعتی از ما بر عهده او نیست).

به دنبال این سخنان، مردم از چپ و راست از اطراف امام پراکنده شدند، تنها همان عده از یاران آن حضرت که از مدینه با او همراه بودند، باقی ماندند.

این سخن را بدان جهت فرمود که عده ای فکر می کردند امام (علیه السلام) به شهری وارد می شود که مردم آن سامان همه مطیع فرمان او هستند و امام زمام حکومت را به دست خواهد گرفت و آنها بهره مادی خواهند برد! ولی هنگامی که دیدند مردم بی وفای کوفه دست از یاری امام کشیدند و قاعدتا راهی جز شهادت برای امام و یارانش نیست از گرد آن حضرت پراکنده شدند. (۳)

این سخنان به خوبی نشان می دهد که امام (علیه السلام) رسالت و ماموریت خاصی در این سفر خطرناک برای خویش می دید، و گر نه بعد از علم و اطلاع از پیمان شکنی مردم کوفه و شهادت «مسلم» و «هانی» و «عبدالله بن یقطر» می بایست به مکه، یا مدینه باز گردد و تردیدی به خود راه ندهد، نه این که به سوی کوفه که ابن زیاد بر آن تسلط کامل پیدا کرده بود برود، به خصوص این که بیعت را از همه همراهان بر می دارد و با صراحت می گوید ما به سوی خطر پیش می رویم آنها که غیر از این گمان می کردند آزادند، باز گردند.

دانشمند معروف اهل سنت «قندوزی» نقل می کند که امام (علیه السلام) در منزلگاه «زباله» پس از شنیدن خبرشهادت مسلم بن عقیل و بی وفایی کوفیان، رو به همراهانش کرد و چنین فرمود:

«إِنَّهَا النَّاسُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ يَصْبِرُ عَلَي حَدِّ السَّيْفِ وَ طَعْنِ الْأَسِنَّةِ فَلْيَقُمْ مَعَنَا وَ إِلَّا فَلْيَنْصِرِفْ عَنَّا»؛ (ای مردم! هر کس از شما در برابر تیزی شمشیر و زخم نیزه ها بردبار است، با ما بماند و الا از ما جدا شود). (۴)، (۵)

علت عدم حضور محمد حنفیه در کربلا

پرسش: چرا محمد حنفیه در قیام امام حسین (علیه السلام) شرکت نکرد؟

پاسخ اجمالی: محمد حنفیه با اجازه امام حسین (علیه السلام) به جهت پشتیبانی از ایشان در این قیام و رساندن اخبار به امام (علیه السلام)، در مدینه ماند.

پاسخ تفصیلی: امام حسین (علیه السلام) در گفتگویی که با برادرش محمد حنفیه داشت با ایشان فرمود: «يا أخی جَزَاكَ اللَّهُ خَيْرًا، لَقَدْ نَصَحْتَ وَ أَشْرْتَ بِالصَّوَابِ وَ أَنَا عَازِمٌ عَلَي الخُرُوجِ إِلَي مَكَّةَ، وَ قَدْ تَهَيَّأْتُ لِذَلِكَ أَنَا وَ إِخْوَتِي وَ بَنُو أَخِي وَ شَيْعَتِي، وَ أَمْرُهُمْ أَمْرِي وَ رَأْيُهُمْ رَأْيِي، وَ أَمَا أَنْتَ يَا أَخِي فَلَا عَلَيكَ أَنْ تُقِيمَ بِالْمَدِينَةِ، فَتَكُونَ لِي عَيْنًا عَلِيهِمْ وَ لَا تُخْفِ عَنِّي شَيْئًا مِنْ أَمُورِهِمْ»؛ (برادرم! خداوند به تو پاداش نیکو دهد.

خیرخواهی کردی و به راه درست اشاره کرده ای. من اکنون عازم مکه هستم و خود و برادرانم و برادرزادگان و پیروانم را برای این سفر آماده کرده ام. برنامه و رایشان همان برنامه و رای من است. اما تو ای برادرم! ماندن تو در مدینه ایرادی ندارد تا در میان آنان چشم [خبررسان] من باشی و از تمام امورشان مرا با خبر ساز! (۶)

با توجه به این سند تاریخی ایشان با اجازه امام زمانشان به جهت پشتیبانی از ایشان در این قیام و رساندن اخبار به امام (علیه السلام) در مدینه مانده اند. (۷)

امام سجاد(علیه السلام) و مبارزه با حاکمان جور از راه دعا

پرسش: امام سجاد(علیه السلام) چگونه از راه دعا با خلفای اموی عصر خود مبارزه می کرد؟

پاسخ اجمالی: از آنجا که در زمان امام چهارم شرایط اختناق آمیزی حکم فرما بود، امام بسیاری از اهداف و مقاصد خود را در قالب دعا و مناجات بیان می کرد. مجموع دعاهای امام سجاد به نام «صحیفه سجادیه» معروف است که پس از قرآن مجید و نهج البلاغه، بزرگترین و مهمترین گنجینه گران بهای حقایق و معارف الهی به شمار می رود، به طوری که از ادوار پیشین از طرف دانشمندان برجسته ما «اغت القرآن»، «انجیل اهل بیت(علیه السلام)» و «زبور آل محمد» لقب گرفته است. صحیفه سجادیه ابعاد سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و عقیدتی نیز دارد.

پاسخ تفصیلی: یکی از شیوه های تبلیغی

و مبارزاتی امام سجاد(علیه السلام) تبیین معارف اسلام در قالب دعا بود. می دانیم که دعا پیوندی است معنوی میان انسان و پروردگار که اثر تربیتی و سازندگی مهمی دارد، از این نظر دعای نظر اسلام جایگاه خاصی دارد و اگر دعاهای رسیده از پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله) و امامان معصوم یک جا گردآوری شود، مجموعه بزرگی خواهد شد. این دعاها مکتب تربیتی بزرگی است که در سازندگی و رشد روحی انسان ها نقش مهمی دارد.

از آنجا که در زمان امام چهارم شرایط اختناق آمیزی حکم فرما بود، امام بسیاری از اهداف و مقاصد خود را در قالب دعا و مناجات بیان می کرد. مجموع دعاهای امام سجادیه نام «صحیفه سجادیه» معروف است که پس از قرآن مجید و نهج البلاغه، بزرگترین و مهمترین گنجینه گران بهای حقایق و معارف الهی به شمار می رود، به طوری که از ادوار پیشین از طرف دانشمندان برجسته ما «اخت القرآن»، (۸) «انجیل اهل بیت(علیهم السلام)» و «زبور آل محمد (صلی الله علیه وآله)» لقب گرفته است. (۹)

صحیفه سجادیه تنها شامل راز و نیاز و مناجات و عرض حاجت در پیشگاه خدانیست، بلکه ابعاد سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و عقیدتی نیز دارد. امام سجاد در ضمن دعاهای خود در چندین مورد، مباحث سیاسی به ویژه مسیله «امامت» و رهبری جامعه اسلامی را مطرح کرده است که ذیلاً نمونه هایی از آنها را می آوریم:

۱- امام در دعای بیستم (دعای مکارم الاخلاق) چنین می گوید:

«خدایا بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا بر آن که بر من ستم کند، دستی (نیرویی)، و بر آن که با من ستیزه جوید زبانی (برهانی)، و بر کسی که با من دشمنی و عناد ورزد پیروزی عطا کن، و در برابر آن کس که نسبت به من، به حيله گری و بد اندیشی پردازد، راه و تدبیر، و در برابر آن که بر من فشار و آزار رساند، نیرو ده و در برابر عیب جوینی که بر من

عیب جویی و دشنام گویی کنند، قدرت تکذیب، و در برابر خطر تهدید دشمنان، به من امنیت عنایت فرما...».

آیا چه کسانی جز کارگزاران عبدالملک نظیر «هشام بن اسماعیل مخزومی» (حاکم مدینه) بودند که امام مورد ستم، ستیزه جویی، عناد، بد اندیشی، فشار، آزار و تهدید آنان قرار داشت؟ بنابراین در واقع این دعای امام شکواییه ای در برابر زورگویی های حکومت وقت بوده و از این نظر بار سیاسی داشته است.

۲- در دعایی که امام روز عید قربان و روز جمعه می خوانده چنین آمده است:

«... خدایا این مقام (خلافت و رهبری امت اسلامی که اقامه نماز در روز عید قربان است) مخصوص جانشینان و برگزیدگان تو، و این پایگاه ها، از آن امنای تو است که آنان را در رتبه والایی قرار داده ای، ولی ستمگران (همچون خلفای ستمگر اموی) آن را بزور، غصب و تصاحب کرده اند... تا آنجا که برگزیدگان و خلفای تو مغلوب و مقهور گشته اند، در حالی که می بینند احکام تو تغییر یافته، کتاب تو از صحنه عمل دور افتاده، فریاض و واجبات دستخوش تحریف گشته، و سنت (راه و رسم) پیامبرت متروک گشته است.

خدایا دشمنان بندگان برگزیده ات از اولین و آخرین و همچنین اتباع و پیروانشان و همه کسانی را که به کارهای آنان راضی هستند، لعنت کن و از رحمت خود دور ساز...».

در این دعا امام با صراحت از مسیله امامت و رهبری امت، که اختصاص به خاندان پیامبر دارد، و غصب شدن آن توسط ستمگران یاد می کند و بدین ترتیب مشروعیت حکومت بنی امیه را نفی می کند.

۳- امام(علیه السلام) در دعای عرفه چنین می گوید:

«پروردگارا! درود فرست به پاکترین افراد خاندان پیامبر که آنان را برای رهبری

امت و اجرای اوامر خود برگزیده ای، و آنان را خزانه داران علمت، نگهبانان دینت، جانشینان خود در زمین، و حجت های خویش بر بندگان قرار داده ای و به خواست خود، آنان را از هر گونه پلیدی یکباره پاک کرده ای و آنان را وسیله ارتباط با خود و راه بهشت خویش قرار داده ای خدایا، تو در هر زمان دین خود را به وسیله امامی تایید فرموده ای که او را برای بندگان رهبر و پرچمدار، و در گیتی مشعل هدایت قرار داده ای، پس از آنکه او را با ارتباط غیبی، با خود مرتبط ساخته ای و او را وسیله خشنودی خود قرار داده ای و پیروی از او را واجب کرده ای، و مقرر داشته ای که هیچ کس از او سبقت نگیرد، و هیچ کس از پیروی او پس نماند...».

حضرت در این دعا نیز از نقش و موقعیت ویژه رهبران الهی و امامان از خاندان نبوت و امتیازهای آنان سخن می گوید، و این، دقیقاً به معنای نفی مشروعیت حکومت زمامداران وقت بود. (۱۰)

پی نوشت:

- (۱). ملهوف (لهوف)، ص ۱۲۶ و بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۳۶۶ و ۳۶۷.
- (۲). زباله، منزلگاهی است معروف، در مسیر کوفه به مکه، نزدیک منزل ثعلبیه.
- (۳). تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳۰۰-۳۰۱؛ ارشاد مفید، ص ۴۲۴ و بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۷۴ (با مختصر تفاوت).
- (۴). ینایع المودّة، ص ۴۰۶.
- (۵). گرد آوری از کتاب: «عاشورا ریشه ها، انگیزه ها، رویدادها، پیامدها»، سعید داودی و مهدی رستم نژاد، (زیر نظر آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی)، امام علی بن ابی طالب(علیه السلام)، قم، ۱۳۸۸ ه. ش، ص ۳۴۸ و ۳۶۰.
- (۶). فتوح ابن اعثم، ج ۵، ص ۳۰ - ۳۲؛ مقتل الحسین خوارزمی، ج ۱، ص ۱۸۸ و بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹.
- (۷). گرد آوری از کتاب: عاشورا ریشه ها، انگیزه ها، رویدادها، پیامدها، سعید داودی و مهدی رستم نژاد، (زیر نظر آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی)، امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، ۱۳۸۸ ه. ش، ص ۳۲۸.
- (۸). شیخ آغا بزرگ، الذریعه الی تصانیف، الطبعه الثانیه، بیروت، دارالاضواء ۱۳۷۸ ه.ق، ج ۱۵، ص ۱۸.
- (۹). مدنی، سعید علیخان، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین، موسسه آل البيت، مقدمه، ص ۵-۴؛ ابن شهر آشوب، معالم العلماء، نجف، المطبعه الحیدریه، ۱۳۸۰ ه. ق، ص ۱۲۵ (شرح حال متوکل، راوی صحیفه)، و ص ۱۳۱ (شرح حال یحیی بن علی بن محمد الحسین رقی).
- (۱۰). گردآوری از کتاب: سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی، موسسه امام صادق(علیه السلام)، قم، ۱۳۹۰ ه.ش، ص ۲۶۹.



عدم وجوب ادامه نذر در صورت عود بیماری

پرسش: برای شفای بیمار سرطانی نذرم کردم و الحمدلله حاجت روا شدم و چهار سال ادای نذر نمودم ولی اکنون بیماری عودت کرده، آیا باید همچنان ادای نذر کنم؟

پاسخ: ادامه نذر واجب نیست.

شرایط شخص نذر کننده

پرسش: نذر کننده چه شرایط باید داشته باشد؟

پاسخ: نذر در صورتی صحیح است که از انسان بالغ و عاقل صورت گیرد و از روی اختیار و قصد باشد، بنابراین نذر از روی اجبار، یا به واسطه عصبانی شدن و از دست دادن اختیار، صحیح نیست.

نذر انجام واجبات

پرسش: آیا نذر به انجام واجبات نیز تعلق می گیرد؟ یعنی اگر آن واجب را انجام ندهیم باید کفاره نذر هم بدهیم؟ مثلاً نذر کنیم که تا آخر عمرمان نماز بخوانیم. در نیت نیز باید کلمه واجب را باید ذکر کنیم؟

پاسخ: همین که بداند طبق وظیفه نماز نذر را بجا می آورد کفایت می کند و لازم نیست نیت را به زبان بیاورد. نذر به انجام واجبات نیز تعلق می گیرد و در صورت ترک واجب علاوه بر اینکه معصیت کرده باید کفاره نذر نیز بپردازد.

ممکن بودن مورد نذر

پرسش: آیا نذر عمل غیر ممکن صحیح است؟

پاسخ: نذر در مورد کارهایی صحیح است که انجام آن ممکن باشد.

مطلوب بودن مورد نذر

پرسش: آیا نذر عمل حرام یا مکروه

جایز است؟

پاسخ: کاری را که انسان نذر می کند باید شرعاً مطلوب باشد، بنابراین نذر کار حرام، یا مکروه، یا ترک واجب و مستحب، صحیح نیست.

عدم شرط مطلوب بودن جزئیات مورد نذر

پرسش: آیا جزئیات و خصوصیات مورد نذر باید مطلوب باشد؟

پاسخ: لازم نیست جزئیات و خصوصیات عملی که نذر کرده مطلوب باشد، همین اندازه که اصل آن شرعاً مطلوب باشد کافی است، مثلاً اگر نذر کند شب اول هر ماه نماز شب بخواند صحیح است و باید به آن عمل کند، یا اگر نذر کند در محل خاصی فقرا را اطعام نماید باید مطابق آن عمل نماید.

عدم صحت نذر عمل مباح

پرسش: آیا عمل مباح می تواند مورد نذر واقع شود؟

پاسخ: کار مباحی که انجام و ترک آن از هر جهت مساوی است نذر انجام آن صحیح نیست، ولی اگر انجام یا ترک آن از جهتی بهتر باشد و به همان منظور نذر کند صحیح است، مثلاً نذر کند غذایی بخورد که برای عبادت قوت گیرد یا غذایی که مایه سستی بدن او برای انجام عبادت می شود ترک نماید.

نذر پدر و مادر برای شوهر دادن دختر به فرد خاص

پرسش: آیا اینکه بعضی پدر و مادرها نذر می کنند که دختر خود را به ازدواج سادات در بیاورند اعتبار دارد؟

پاسخ: هرگاه پدر یا مادری نذر کند دختر خود را به سید شوهر دهد نذر آنها اعتباری ندارد و هنگامی که دختر به حد بلوغ رسید اختیار با خود اوست.

نذر برای اماکن مشکوک

پرسش: بعضی افراد برای اماکن مشکوکی نذر می کنند (مانند قدمگاه های منسوب

به امیر مؤمنان(علیه السلام) سپس آن را در خیرات در آن محل مصرف می کنند آیا این کار جایز است؟

پاسخ: مصارف مذکور اشکالی ندارد ولی مردم باید توجه داشتند که این نذورات را به عنوان ابراز ارادت به پیشگاه مولا امیرمؤمنان علی(علیه السلام) بدهند و این که آن مکان منسوب به اوست، نه این که آن محل قطعاً قدمگاه آن حضرت است و اگر این گونه کارها سبب شود محل مشکوکی در نظر مردم اعتبار پیدا کند مشکل است.

اگر قبل از نذر کردن منظور او حاصل شده باشد

پرسش: چنانچه برای موضوعی نذر کند و معلوم شود که قبلاً آن موضوع رخ داده وظیفه این فرد چیست؟

پاسخ: هرگاه نذر کند اگر مریض او خوب شود یا مسافرش سالم بازگردد فلان کار خیر را انجام دهد، چنانچه معلوم شود پیش از نذر کردن مریض او خوب شده، یا مسافر آمده است، عمل کردن به نذر واجب نیست.

نحوه ادای نذر خواندن زیارت عاشورا

پرسش: اگر کسی بخواهد زیارت عاشورا بخواند و به نذر خود در این رابطه عمل کند، آیا با حذف صد لعن و صد سلام و نماز زیارت و دعای علقمه، نذرش ادا می شود؟

پاسخ: اگر نذر او مطلق بوده، باید صد لعن و صد سلام را بخواند ولی دعای علقمه شرط نیست ولی اگر نذرش اعم بوده (اعم از صد لعن و صد سلام، یا یک لعن و یک سلام) در این صورت، هر دو رقم کافی است.

همزمان شدن روزی که نذر کرده روزه بگیرد با عید فطر یا قربان

پرسش: کسی که نذر کرده روز معینی را روزه بگیرد چنانچه آن روز مصادف با عید قربان و یا عید فطر شود وظیفه اش چیست؟

پاسخ: اگر نذر کند در هر هفته روز معینی (مثلاً روز جمعه) را روزه بگیرد، چنانچه یکی از جمعه ها مصادف با عید فطر یا قربان شود، یا عذر دیگری مانند حیض برای او پیش آید، باید روزه را ترک کند و احتیاطاً قضای آن را به جا آورد.

رشد و نمو حاصله در حیوان نذری

پرسش: چنانچه نذر کند که حیوانی را قربانی کند، و حیوان رشد و نمو داشته باشد آیا آن مقدار اضافه هم جزء نذر است؟

پاسخ: گوسفندی را که نذر کرده اند پشم آن و مقداری که چاق می شود جزء نذر است و اگر پیش از آن که گوسفند به مصرف نذر برسد بچه ای بیاورد، یا شیر دهد، احتیاط واجب آن است آن را هم به مصرف نذر برساند.

غسل زیارت و نماز آن در نذر زیارت

پرسش: چنانچه نذر کند که به زیارت برود آیا غسل و دیگر مقدمات زیارت هم واجب می شود؟

پاسخ: کسی که نذر کرده زیارت برود ولی غسل زیارت و نماز آن را نذر نکرده، لازم نیست آنها را به جا آورد.

جواز تصرف در شیء منذور قبل وجوب عمل به نذر

پرسش: شخصی نذر کرده که بعد از فوت، انگشترش را در راه امام حسین علیه السلام مصرف کنند ولی الآن پشیمان شده. آیا می تواند در آن تصرف کند؟

پاسخ: نذر صحیح است؛ اما می تواند سفارش کند پول انگشتر را به قیمت روز فوتش، از اموالش بردارند و او الآن انگشتر را استفاده کند، البته احتیاط آن است که از ثلث اموالش حساب شود.

بروز مشکل شرعی در ایامی که نذر روزه در آن را کرده

پرسش: من نذر کردم که اگر عملی انجام شود در سه روز خاص روزه بگیرم و

الان به دلیل مسائل شرعی نمی توانم این نذر را بجا آورم. آیا باید علاوه بر قضای این سه روز روزه، کفاره آنها را هم روزه بگیرم یا نه؟

پاسخ: اگر صیغه نذر را نخوانده اید موظف به انجام آن نیستید و در صورت خواندن صیغه نذر بعداً در زمان دیگری آن سه روز را روزه بگیرید.

اشتباه در ادای نذر

پرسش: چنانچه نذر کند یک گوسفند نر قربانی کند اما بعد از این که گوسفند را قربانی کرد متوجه شود که آن حیوان ماده بوده است وظیفه اش چیست؟

پاسخ: آن را بفروشید و باید یک گوسفند نر بخرید.

تاثیر تورم در ادای نذر

پرسش: اگر کسی پارسال نذری کرده باشد که قیمتش ارزان بوده ولی الان گران شده باید چه کار کند باید قیمت ارزانی حساب کند یا گرانی؟

پاسخ: اگر کالای خاصی را نذر کرده باید همان را تهیه کند مگر اینکه اختلاف قیمت فاحش شود که به مقدار قیمتی که در ذهن داشته انجام میدهد.

مفقود شدن حیوان نذری

پرسش: گوسفندی برای نذر خریده ام گم شده است آیا نذر بدهکارم؟

پاسخ: هرگاه در نگهداری آن کوتاهی نکرده اید بدهکار نیستید.

عمل به نذر با غذای نجس

پرسش: در حال پختن آش نذری بودم که درون آن فلفل موش دیدم، با این وجود آنرا تقسیم کردم، حال آیا نذرم ادا شده است یا کفاره دارد؟

پاسخ: اگر یقین قطعی نداشته باشید اعتنا نکنید و تشخیص فلفل موش کار آسانی نیست اما در صورت یقین به فلفل بودن، نذرش ادا نشده است.

ذبح حیوان ناقص جهت قربانی در

نذر پرسش: آیا اشکال دارد بزغاله ای جهت ادای نذر قربانی کنیم درحالی که قسمتی از گوشش هم بریده باشد؟

پاسخ: اشکال ندارد.

افتادن فاصله بین نذر پیوسته

پرسش: اگر ختم دعا یا صلوات نذر کنیم که تا چند روز بخوانیم و بین آنها یک یا دو روز فاصله افتاد آیا باید قضای آن را بجا آورد یا اینکه از اول شروع کنیم؟

پاسخ: در صورتی که اتصال شرط نشده باشد می تواند ایام ترک شده را بیفزاید ولی اگر اتصال را شرط کرده و ترک آن ایام عمدا صورت گرفته مجدداً بجا آورد.

توصیہ های آیت الله العظمیٰ مکارم شیرازی بہ زائران اربعین

بایدھا

مداحے خوب
سخنرانے پر محتوا
نماز اول وقت
رعایت حجاب
استفادہ وسیع فرہنگے
کمک بہ ناتوانھا
رعایت نظم
انعکاس خبری
رعایت حلال و حرام شرعے
داشتن گذر نامہ و ویزا

نبایدھا

عدم اختلاط
عدم اسراف و تبذیر
عدم توقف طولانی در گربلا
پرهیز از توہین